تحلیل تأثیر سبک زندگی نوگرا بر پیوستگی فضایی خانه‌های برونگرا دوره پهلوی دوم تهران*

نوشین شیخ‌اکبری**، جمال‌الدین سهیلی***، مریم ارمغان ****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۷/۲۴

چکیده

فرآیند نوسازی به شیوه‌ی غربی که در دوره پهلوی اول در برخی زمینه ها آغاز شده بود، در دوره‌ی پهلوی دوم نیز ادامه یافت و دگرگونی‌های عمده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه بر جای گذاشت. نفوذ فرهنگ غربی و تحولات ناشی از آن تأثیرات انکارناپذیری در عرصه معماری به جا گذاشت و از آنجایی که مسکن، بستری برای زندگی و به صورت روزمره با انسان در ارتباط می‌باشد، منعکس کننده بیشترین تأثیرات فرهنگی در کالبد است. هدف از این پژوهش، شناسایی و چگونگی تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی در پیوستگی فضایی معماری خانه‌های مسکونی تهران در دوره پهلوی دوم است. سوال اصلی که برای این پژوهش مطرح می‌شود این است که با توجه به تحول در سبک زندگی، مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی چگونه بر پیوستگی فضایی تأثیرگذارند؟ همچنین این سوالات نیز مطرح می‌شود که در خانه‌های متحول شده با فضاهای نوظهور و تغییر الگوهای روابط فضایی، چه فضاهایی عامل ایجاد پیوستگی در میان فضاها هستند؟ حضور افراد خدمه در خانه، چه تأثیری بر پیوستگی فضایی دارد؟ روش تحقیق از ترکیب دو روش، تاریخی-تفسیری و توصیفی-تحلیلی می‌باشد که با توجه به موضوع، در ابتدا جهت تعیین مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی بر اساس نظرات اندیشمندان، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و همچنین جهت شناسایی مصداق‌های عینی، مؤلفه‌های نوگرایی در دوران پهلوی دوم، با نگاه گذار از سنت به تجدد از روش تحقیق تفسیری-تاریخی استفاده شده است. جهت بررسی و مطالعه نمونه‌های موردی با استفاده از تکنیک نحوفضا، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در این پژوهش خانه‌های برونگرایی که در سال‌های حکومت پهلوی دوم ساخته شده اند به عنوان نمونه‌های مطالعاتی انتخاب شده اند و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و اسنادی بوده است. جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از ابزار نمودار توجیهی تکنیک نحوفضا استفاده شده است و در انتها، استدلال و نتیجه گیری به صورت استدلال استنتاجی می‌باشد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی، مؤلفه‌های انسان، طبیعت، معماری (تعاملات) و جایگاه اجتماعی، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تغییر موقعیت و کارکرد فضاها در خانه هستند که می‌توانند باعث تغییر در پیوستگی فضایی شوند. در میان فضاهای اصلی داخلی، سالن پذیرایی، سالن غذاخوری و نشیمن و در میان فضاهای خارجی ایوان وحیاط موجب پیوستگی فضایی از نظر بصری و ساختاری شده اند. همچنین حضور و اسکان افراد خدمه در برخی از نمونه ها، باعث افزایش پیوستگی فضایی، شده است. بنابراین ساختار اجتماعی بر روی الگوی سکونت، سلسله مراتب و همچنین بر شکل کالبدی معماری تأثیر می‌گذارد. لذا هر گونه برنامه ریزی و طراحی معماری نیازمند شناخت خصوصیات فرهنگی و اجتماعی است.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، پیوستگی فضایی، خانه‌های برونگرا، دوره پهلوی دوم، نحوفضا

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نوشین شیخ اکبری با عنوان «تبیین و تحلیل تاثیر مولفه های نوگرایی سبک زندگی بر تحول پیکره بندی فضایی خانه های مسکونی ویلایی: دوره پهلوی اول و دوم شهر تهران » به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین است.

** دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. n.sheikhakbari@gmail.com
*** دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) soheili@qiau.ac.ir
**** استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. maryam.armaghan@gmail.com

ISSN: 2322-5602
©: IAUH

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

مقدمه

مدرنیزاسیون که هدف بزرگ رضاشاه بود، در دوره محمدرضا شاه نیز ادامه یافت که شامل تغییرات بنیادی در نحوه زیست اعضای جامعه است. این تغییر در سبک زندگی، تغییر در معماری مسکن را متناسب با نیازها و خواسته‌های جدید ایجاد می‌کند و از آنجایی که خانه به صورت روزمره با انسان در ارتباط است و تنها مکانی است که اولین تجربیات بشر هم در خلوت و هم در تعاملات با فضا شکل می‌گیرد (Shahbazi,bemanian,2018,26)، لذا نمایانگر ارزش ها و عقاید فرهنگی و اجتماعی است. خانه دارای ساختاری پویاست که بر اساس نظم خاصی از اصول اجتماعی و فرهنگی سامان می‌یابد(Haghlesan,Irani,Niknam,2021,15).

از حدود سی سال پیش تا کنون محققانی چون راپاپورت[۲] و الیور[۳]، گروت و وانگ[۴] با نگرش خاص اجتماعی و فرهنگی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به صورت عمیق پرداخته اند. نتایج مطالعات راپاپورت نشان می‌دهد که سیستم فعالیتها و ساختارهای اجتماعی هستند که وجوه کیفی و ابعاد کارآمدی فضا را آشکار می‌کنند (فتح بقالی و هدایتی مرزبالی،۱۴۰۰، ۵۱). وی در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر شکل بنا، بر این باور است که شکل بنا، بر اساس نیاز ها و نوع آن نبوده، بلکه مبتنی بر پاسخی است که در فرهنگ‌های مختلف به آن داده می‌شود و معتقد است که شکل معماری قبل از هر چیز به فرهنگ وابسته بوده و توصیفی فیزیکی از فعالیت ها است (رازجو و متین، امامقلی،۱۳۹۸، ۳۷۲).

از طرفی در مباحث معماری، علمی تحت عنوان تکنیک نحوفضا، توسط بیل هیلیر[۵] (Hillier & et al,1984) پایه گذاری شده است که به مطالعه و فهم روابط بین فضاهای موجود در هر پیکره بندی فضایی می‌پردازد. اهمیت این روش از آنجا آشکار می‌شود که به کمک آن می‌توان به منطق اجتماعی و فرهنگی متاثر از الگوهای رفتاری انسان در شکل گیری فضاهای مختلف در هر پیکره بندی معماری پی برد (Falakian et al,2021:41). از آنجایی که فضاها جهت کارکردهای خاص برای مصرف کنندگان آنها شکل می‌گیرند، لذا ارتباطی خاص بین مصرف کننده و فضای مورد نظر را به وجود می‌آورد (ستارپور و بمانیان، ۱۳۹۹: ۴۱۰). انتظام فضاها در کنار هم به معنی ارتباطات درونی فضاها است که به وسیله مصرف کننده استفاده می‌شود. بنابراین می‌توان با شناخت ارتباطات فضایی، ارتباطات اجتماعی افراد مصرف کننده و بالعکس را بازشناخت (زرنشانی اصل و همکاران،۱۳۹۹، ۳۱۸). در واقع با این تحلیل می‌توان ارتباط مبانی ارزشی فرهنگ ساکنان این خانه ها و تحول در پیکره بندی فضایی را بررسی کرد. پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه نحو فضای معماری، سعی در تحلیل تأثیر مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی بر پیکره بندی فضایی خانه‌های پهلوی دوم دارد. از طرفی، تهران به دلیل پایتخت بودن و تمرکز بنیادهای سیاسی و اقتصادی در آن، نسبت به شهرهای دیگر، تأثیر مدرنیزاسیون را زودتر تجربه کرده است به همین جهت به عنوان بستر پژوهش انتخاب شده است. هدف اصلی پژوهش، شناسایی و بررسی چگونگی تأثیر سبک زندگی نوگرا بر پیوستگی فضایی خانه‌های ویلایی مسکونی (برونگرا) شهر تهران در دوره پهلوی دوم می‌باشد. سوال اصلی پژوهش این است که با توجه به تحول در سبک زندگی، مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی چگونه بر پیوستگی فضایی تأثیرگذارند؟ همچنین در راستای سوال اصلی، این سوالات نیز مطرح می‌شوند که در خانه‌های متحول شده با فضاهای نوظهور و تغییر الگوهای روابط فضایی، چه فضاهایی عامل ایجاد پیوستگی در میان فضاها هستند؟ حضور افراد خدمه در خانه، چه تأثیری بر پیوستگی فضایی دارد؟ بدین منظور جهت مطالعه و تحلیل، خانه‌های برونگرا را به دلیل اینکه مفهوم یک واحد مستقل و سکونت بدون اختلاط کاربری ها و مناسبات زندگی اجتماعی را داراست، برای این پژوهش در نظر گرفته شده است. همچنین به نظر می‌رسد تحول الگوهای رفتاری با تاکید بر روابط اجتماعی، پیوستگی فضایی را در فضا را به لحاظ چیدمان عناصر کالبدی و ارزش‌های معنایی ایجاد کرده است که در این پژوهش به عنوان فرضیه در نظر گرفته شده است.

در انتها می‌توان گفت که آنچه ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد، این موضوع است که امروزه بافت شهری مدرن با آپارتمان‌های بلند مرتبه، با کم توجهی به سایر نیازهای انسان، باعث شده اند که محیط زندگی از کیفیت لازم کم بهره بماند. بنابراین حرکت به سمت پیکره بندی فضایی مسکن بر مبنای ساختار اجتماعی ساکنین در جهت اعتلای کیفیت از دست رفته خانه‌های فعلی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین تا کنون از دیدگاه نحوفضا، خانه‌های معاصر تهران مورد بررسی قرار نگرفته اند و می‌توان با استفاده از این نگرش به ارائه الگوی فضایی مناسب با توجه به ساختار اجتماعی ساکنین در مجموعه خانه ها دست یافت.

پیشینه پژوهش

کامی شیرازی و همکاران در سال ۱۳۹۷، در مقاله ای با عنوان تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایران (نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ هش) به این نتیجه رسیده اند که شاخص‌های مربوط به جنسیت در این دوره باعث تساوی زن و مرد به ویژه در طبقات متوسط و مرفه اجتماع شده است که به تبع آن فضاهای اندرونی و بیرونی به تدریج حذف و آشپزخانه از

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

گوشه حیاط و زیرزمین به داخل خانه منتقل شده و به عنوان یک فضای بینابین در ارتباط با سایر فضاها قرار گرفته است (کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷). زارعی و یگانه در مقاله ای با عنوان تحلیل نقش همپیوندی فضاها در روابط اجتماعی خانه‌های سنتی کاشان در سال ۱۳۹۷، به این نتیجه رسیده اند که میزان همگنی فضاها در معماری مسکونی قاجار بسیار بالا بوده است و خانه هایی که هر چهار عرصه عمومی، نیمه عمومی، خصوصی و نیمه خصوصی را داشته و ریزفضاهای دارای عمق و همپیوندی مناسب این حریم ها باشند، دارای همگنی و توزیع مناسب هستند (زارعی و یگانه، ۱۳۹۷). مهری، سهیلی و ذبیحی در سال ۱۳۹۹، در مقاله ای با عنوان تأثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان نشین دوره قاجار در مازندران، به این نتیجه رسیده اند که خانه ها در یک دوره مشترک، از نظر نوع و تعداد فضاها، عمق قرارگیری فضاها و همچنین چگونگی نحوه ارتباطشان با یکدیگر دارای تفاوت هایی هستند که این تفاوت ها از عواملی همچون روابط اجتماعی خانواده، شغل و معیشت ساکنین ناشی می‌شود و می‌توان آن ها را با الگوهای متفاوتی دسته بندی کرد (مهری و همکاران،۱۳۹۹). ایازی و همکاران در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان بررسی رابطه سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو در مسکن معاصر، پس از شناخت عوامل سازنده سبک زندگی، رابطه میان شاخصه‌های شکل دهنده سبک زندگی و نظام اشیای خانگی مورد بررسی قرار دادند و مشخص گردید شاخصه‌های شکل دهنده سبک زندگی در طبقات اجتماعی مختلف رابطه معناداری با اشیای مورد استفاده در خانه دارد (ایازی و همکاران،۱۳۹۹). حاجیان و تاجر و مهدوی نژاد، در سال ۱۳۹۹ در مقاله ای با عنوان، تأثیر حیاط در شکل گیری پیکره بندی خانه‌های سنتی ایران در کاشان، با مشخص کردن عنصر کلیدی از فضا، همچون حیاط به مطالعه میزان قابلیت و نحوه پیکره بندی آن در کاربری‌های مختلف پرداخته اند که در نهایت به این نتیجه رسیدند که حیاط عنصر اصلی کلیه بناها از نظر ارزش همپیوندی است و تکمیل کننده پیکره بندی بناها می‌باشد و سهم حیاط در شکل گیری منطق اجتماعی این خانه ها بسیار عمده بوده است (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۹). Zolfagharkhani & Ostwald در سال ۲۰۲۱، در مقاله ای با عنوان ساختار فضایی حیاط خانه‌های یزد: تحلیل نحوی فضایی ویژگی‌های توپولوژیکی حیاط، به این نتیجه رسیده اند که عمق اتاق‌های اطراف حیاط به مرور زمان کاهش یافته است و خصوصی بودن فضاها کاهش پیدا کرده است (Zolfagharkhani & Ostwald,2021). Haghlesan,Irani & Niknam در سال ۲۰۲۱، در مقاله ای با عنوان بررسی تحول فضایی در خانه‌های سنتی ایران با تأکید بر جنبه‌های روابط کالبدی و فضایی با استفاده از نحو فضا (مطالعه موردی: خانه‌های قاجار و پهلوی تبریز) به این نتیجه رسیده اند که ورودی، حیاط بیرونی و اندرونی و طنبی از عوامل تأثیرگذار در تغییرات کالبدی در دوره قاجار و پهلوی هستند. همچنین علاوه بر برخی از فضاهای اصلی، فرم و شکل و کشیدگی خانه ها، سلسله مراتب فضایی، ورودی بیشترین تأثیر را در روابط فضایی و انسانی دارد(Haghlesan et al,2021). بشیرزاده و همکاران در سال ۱۴۰۰ در مقاله ای با عنوان بررسی موقعیت ایوان در پیکره بندی معماری خانه‌های اعیانی با استفاده از روش نحوفضا (نمونه‌های موردی، خانه‌های سنتی گیلان) با استفاده از تحلیل‌های نرم افزاری نحوفضا و نمودارهای توجیهی، سعی در مطابقت سبک و سیاق ساختمانی بومی در این بناها داشتند و در انتها به این نتیجه رسیدند که ایوان‌ها با توجه به اعیانی بودن خانه ها و وضعیت اقتصادی ساکنان، جنبه تزئینی و رفاهی داشته و نشانی از سبک التقاطی در ساختمان سازی است (بشیرزاده و همکاران،۱۴۰۰). چگنی و همکاران در سال ۱۴۰۰، در مقاله ای تحت عنوان شناخت پیکره بندی فضایی در خانه‌های سنتی و معاصر با استفاده از تکنیک نحو فضا (مطالعه موردی: محله صوفیان بروجرد)چنین مطرح کرده اند که در خانه‌های مورد مطالعه، فضاهای عمومی و خصوصی با یکدیگر تداخل پیدا کرده اند و دیگر قابل تفکیک و ارزش گذاری نیستند. اتاق چند عملکردی پیشین به اتاق‌های تک عملکردی که تحت تأثیر فرد گرایی و نوع اشیا و مبلمان است تبدیل شده است. ورودی ها همانند قبل ایجاد حریم نمی کنند و دید محدود از کوچه به درون نوغی فضای ارتباطی بدون مفصل شده است(چگنی و همکاران،۱۴۰۰). بازاریی و همکاران در سال۱۴۰۰، در مقاله ای به بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن در کالبد معماری و پیکره بندی فضایی خانه‌های بومی (مطالعه موردی: خانه‌های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز) پرداختند و خروجی این پژوهش، نتایجی است که از تعامل کیفیت‌های سبک زندگی و کمی شدن این کیفیت‌ها با نرم افزار نحوفضا که در خانه‌های بومی شهر شیراز در دوره قاجار و پهلوی مورد بررسی قرار گرفته است، بدست می‌آید (بازاریی و همکاران،۱۴۰۰).

با توجه به بررسی مطالعات مرتبط انجام گرفته که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم در پژوهش پیش رو تأثیرگذارند، اغلب پژوهش ها، شامل بررسی تأثیرات تغییرات سبک زندگی در خانه‌های دو دوره قاجار و پهلوی هستند و به نوعی خانه‌های سنتی و معاصر در یک مطالعه تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته اند. در برخی دیگر از پژوهش ها، روابط اجتماعی و کالبد خانه‌های سنتی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته و بر ارزش ها و مفاهیم و الگوهایی که در طراحی سنتی خانه ها وجود داشته است تاکید شده است. همچنین در گروهی دیگر از مطالعات به بررسی یک تک فضا در سازماندهی خانه ها بسنده شده است در صورتی که تحلیل و بررسی خانه‌های دوره پهلوی به عنوان مبدا عصر مدرن و دوران تحول در ایران، از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین جهت یافتن راه حل‌های پاسخ دهنده برای طراحی‌های امروز مستلزم

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

شناخت و بررسی معماری مدرن و همچنین عوامل تأثیر گذار اجتماعی و فرهنگی می‌باشد. لذا با توجه به موارد عنوان شده، به نظر می‌رسد که در این زمینه خلاء مطالعاتی وجود دارد که نیازمند مطالعه و بررسی می‌باشد.

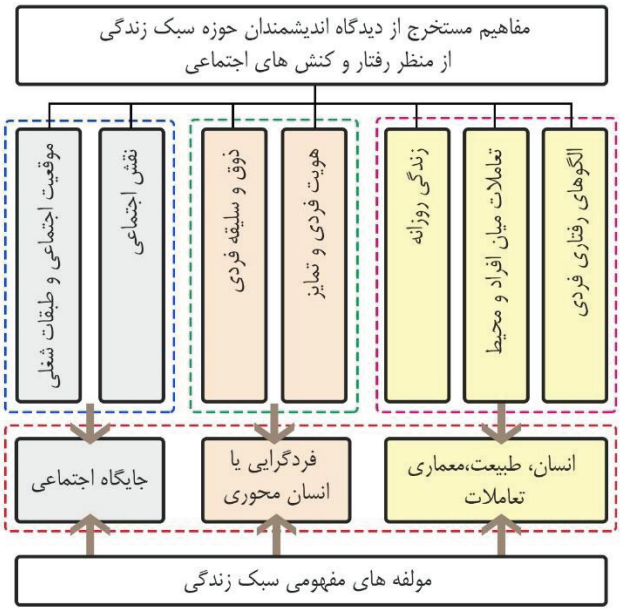
مبانی نظری

سبک زندگی و مفهوم آن

سبک زندگی یکی از مفاهیمی است که در قرن بیستم در سال ۱۹۲۲ نخستین بار توسط آلفرد آدلر[۶] مطرح شد و مورد توجه جامعه شناسان قرار گرفت. سبک زندگی را می‌توان مجموعه ای از رفتارها تعبیر کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد تا نه فقط نیازهای جاری او را برآورده سازد، بلکه روایت خاصی را که برای هویت شخصی خود انتخاب کرده است در برابر دیگران مجسم سازد (یوسفی،۱۴۰۱: ۱۵۳). این اصطلاح در بطن خود مؤلفه‌های زیستی، اجتماعی و فرهنگی و معیشتی را می‌پروراند و تأثیرات عمیقی در الگوهای زندگی افراد جامعه می‌گذارد. یکی از مصادیق تجلی سبک زندگی،کیفیت فضای سکونت و سازمان فضایی است که به تبع آن معماری خانه تحت تأثیر قرار می‌گیرد (رضایی، ۱۳۹۹، ۲۳۹). برخی از صاحب نظران، تنوع سبک زندگی را محصول مدرنیسم می‌دانند، زیرا مدرنیسم افراد را از قید انتخاب‌های محدودی که سنت در اختیار آنان قرار می‌دهد، رهایی می‌بخشد. از طرفی دیگر فضا و سبک زندگی بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و دگرگونی در سبک زندگی از یک سو فضا را متحول می‌کند و از سوی دیگر تغییرات فضایی بر سبک زندگی تأثیر می‌گذارد (Darvish et al,2019:79).

با توجه به اینکه تعاریف و دیدگاه‌های مختلفی در زمینه سبک زندگی از صاحب نظران ارائه شده است، جهت جلوگیری از کلی گویی، تعاریف صاحب نظرانی که سبک زندگی را از منظر رفتار و کنش‌های اجتماعی تعریف کرده اند، مورد بررسی قرار گرفته است. آنتونی گیدنز[۷] معتقد است که سبک زندگی مجموعه‌ای کم‌وبیش جامع از عملکردها است که فرد آنها را در زندگی روزمره برای هویت شخصی خود به کار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۸، ۱۲۱). آلفرد آدلر، سبک زندگی را شخصیت اصلی فرد که در دوران کودکی شکل گرفته و در بزرگسالی واکنش ها و رفتار او را کنترل می‌کند، تعریف می‌کند (فضلی و همکاران،۱۳۹۷: ۸۴) (قربانپور لفمجانی،۱۳۹۹: ۲۷۱). از دیدگاه بوردیو[۸]، شیوه زندگی در دارایی ها نظیر خانه، ویلا، ماشین، اثاثیه و فعالیت‌های متمایز کننده نظیر پوشش لباس، بازی ها، رسیدگی به ظاهر تعریف می‌شود که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند (مهدوی کنی، ۱۳۸۶، ۲۰۷) (Atkinson,2022: 2). او همچنین خانه را به مثابه بازنمایی فضایی جهت انجام رفتار،کرد و کار و کنش‌های متقابل افراد نسبت به یکدیگر می‌داند (مهری و همکاران،۱۳۹۹: ۶۲). سگالن[۹]، ارتباط سبک زندگی با خانه را در تقسیم بندی فضای داخلی و تقسیم بندی آن به خصوصی و عمومی می‌داند (ابراهیمی،۱۳۹۵: ۳۱) و (مهری و همکاران،۱۳۹۹: ۶۲). او همچنین معتقد است که اشتغال زنان، معاشرت و شبکه روابط خویشاوندی بر نوع گذران اوقات فراغت و سبک زندگی تأثیرگذار است (سگالن، ۱۳۷۰، ۸۴ و ۲۵۹). از دیدگاه راپاپورت، سبک زندگی، روشی است که مردم انتخاب می‌کنند که چگونه رفتار کنند یا چگونه به فعالیتی بپردازند که دارای شخصیت متمایز باشند (Darvish et al,2019:79) (Rappaport,1969:15). او همچنین معتقد است که سبک زندگی بر کیفیت محیط ساخته شده اثر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌گیرد (مهری و همکاران،۱۳۹۹: ۶۳). از دیدگاه چانی[۱۰]، مردم از سبک زندگی در زندگی روزمره به منظور شناسایی و بیان مجموعه گسترده ای از عناصر مرتبط با هویت و قرابت خود با دیگران استفاده می‌کنند (کردی و هادیزاده،۱۳۹۱: ۲۶). او به الگوهایی که در افراد تمایز ایجاد می‌کند، نیز اشاره دارد (مهری و همکاران،۱۳۹۹: ۶۲). باکاک[۱۱] مفهوم شیوه زندگی را با طبقات شغلی مربوط دانسته می‌شود و مستلزم ارتباطی بین کارهای روزمره، وظایف خانه داری، فعالیت‌های تفریحی است (باکاک، ۱۳۸۱ ، ۳۶). وبر[۱۲] نیز مبنای تعاریف چند بعدی خود، از قشر بندی اجتماعی و تاکید بر منزلت به عنوان یکی از مؤلفه‌های قشربندی یاد می‌کند (ایازی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۶۷) و سبک زندگی را در ارتباط با سه منبع انتصابی (منزلت موروثی)، اکتسابی (موفقیت شغلی) و مصرف منزلتی (خرید کالای لوکس) را تعریف می‌کند (فاضلی،۱۳۸۲، ۲۷). هجراب[۱۳] نیز معتقد است که سبک زندگی با سطح درآمد، محل کار و سبک کارفردی در ارتباط است و نیازها و اولویت‌های خانه را تغییر می‌دهد (ابراهیمی،۱۳۹۵: ۳۱). همچنین زیمل[۱۴]، سبک زندگی را شیوه خاص مصرف کردن با هدف دنبال کردن نمادهای منزلت و تمایز (آتشین صدف و خیری،۱۳۹۹: ۵۶) و همچنین ایجاد هویت فردی (ایازی و همکاران،۱۳۹۹: ۱۶۷) می‌داند. رایمر[۱۵] نیز، معتقد است سبک زندگی که الگوی فعالیت روزانه است توسط توسعه علم و دانشگاه تحت تأثیر قرار گرفته است چراکه طبقه متوسط و افراد تحصیل کرده به اوقات فراغت، سرگرمی و مصرف گرایی علاقمندند (Darvish et al.2019:79). فیسک[۱۶] نیز معتقد است که سبک زندگی، ابزاری است که هویت فرهنگی و جایگاه اجتماعی از طریق آن ابراز می‌شوند (فیسک ،۱۳۸۸، ۳۸۹). سوبل[۱۷] نیز معتقد است که سبک زندگی در چهارچوب تعامل بین افراد و معنایی که در این تعامل رد و بدل می‌شود (Sobel,1981,31) و همچنین تمایز در زیستن (ایازی و همکاران،۱۳۹۹: ۱۶۶) ظهور می‌یابد. با توجه به تعاریف ارائه شده و بر اساس قرابت‌های مفهومی برداشت شده از تعاریف، موضوعات طبقه بندی و مؤلفه مفهومی سبک زندگی مطابق تصویر۱ استخراج شدند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]



تصویر ۱- مؤلفه‌های مفهومی مستخرج از دیدگاه صاحب نظران سبک زندگی

در این پژوهش، مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی به ۳ دسته، الف) تعاملات انسان با انسان،طبیعت، معماری، ب) فردگرایی و انسان محوری، ج) جایگاه اجتماعی تقسیم بندی شده اند.

پیوستگی فضایی: با مرور دیدگاه پژوهشگرانی که معماری ایران را از زوایای کیفیت‌های فضایی مورد خوانش قرار داده اند، با تعابیری نظیر تداوم، گشایش، سیالیت، شفافیت، آزادی فضا مواجه می‌شویم که به نظر می‌رسد همگی در عین تفاوت‌های مفهومی، به نوعی بیانگر ویژگی خاص در سازمان فضایی معماری هستند که آن پیوستگی میان فضاهای مجاور است که حد اعلای ارتباط میان فضاهاست (رستمی قلعه لانی و همکاران،۱۴۰۱: ۱۲۲). در جدول ۱ گزیده ای از دیدگاه‌های صاحبنظران این حوزه مورد مطالعه قرار گرفته است که با توجه به قرابت‌های مفهمومی اقتباس شده از تعاریف، مؤلفه‌های مفهومی پیوستگی فضایی استخراج شده است.

جدول ۱- جمع بندی دیدگاه صاحب نظران در ارتباط با مفهوم پیوستگی فضا در معماری ایران (برگرفته از گلستانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴).

اندیشمند	تعریف پیوستگی فضایی	مؤلفه مفهومی		
اردلان	آدمی متداوما در فضایی مواج و گسترنده که پیوسته و یکتاست پیش می‌رود و هیچگونه مانع یا انقطاعی در جریان حرکت انسان به وجود نمی آید (اردلان، ۱۳۹۰، ۴۷).	فضای مواج گسترنده	پیوستگی ساختاری (تداوم)	
توسلی	معماران گذشته با رعایت اصول شناخته شده در طراحی موجب ارتباط درون و بیرون و در نتیجه پیوستگی مجموعه ها می‌شده اند (توسلی،۱۳۷۶، ۶۱)، (رستمی قلعه لانی و همکاران،۱۴۰۱: ۱۲۲).	پیوستگی		
استیرلن[۱۸]	انسان همواره درون چیزی قرار دارد که محصور به پیرامونی به هم پیوسته و متداوم است. (استیرلن،۱۳۷۷، ۵۸).	پیوستگی، تداوم		پیوستگی بصری شفافیت
شولتز[۱۹]	تقابل و ارتباط درون و بیرون از اصول معماری است که انسان پیوسته با تداوم حرکات از آنها گذر می‌کند (شولتز،۱۳۵۳، ۷۸)(رستمی قلعه لانی و همکاران،۱۴۰۱: ۱۱۹).			
دیبا	در نقطه مقابل مفهوم فضای بسته، مفهوم شفافیت و تداوم قرار دارد. در چنین فضایی، مسیر حرکت انسان و یا نگاه او در تداومی پیوسته صورت می‌گیرد. شفافیت، به معنای امکان و قابلیت دید از ورا است که ریشه این بحث به مفاهیمی همچون ارتباط درون و بیرون، تداوم، یکپارچگی و سبکی می‌رسد(دیبا،۱۳۷۸، ۱۰۳).	تداوم شفافیت		
احمدی	آنچه در ابتدا از معماری درون فلات به ذهن متبادر می‌شود، نوعی در هم آمیختگی و پیوستگی قدرتمند کالبدی است که بافت زیستگاه ها را به صورت یک بدنه واحد نشان می‌دهد (احمدی،۱۳۹۱، ۱۳۳).	پیوستگی		

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

اندیشمند	تعریف پیوستگی فضایی	مؤلفه مفهومی	
حایری	فضای معمارانه با محدود شدن حادث می‌شود. فضا برای اینکه محدود شدن را از بین ببرد و آزاد شود باید دائما بسط پیدا کند. بسط فضایی، چشم انداز و نور در معماری ایران موجب می‌شوند تا انسان هیچگاه با بن‌بست فضایی روبرو نشود (حایری،۱۳۸۸، ۱۴۱)	بسط فضا آزادی فضا	
میرمیران	سیر تکاملی معماری، به موازات حرکت کلی جهان هستی،یعنی حرکت از کیفیت مادی به کیفیت روحی و به بیان معمارانه، در راستای کم کردن ماده و افزایش فضاست(میرمیران،۱۳۸۳، ۱۹). شفافیت کیفیتی است که در رابطه درون و بیرون سطوح فضا ایجاد می‌شود و در واقع از صلبیت آن کاسته شده و شفاف می‌شود (میرمیران،۱۳۷۷، ۹۵)	سبکی گشایش	

با توجه به جدول فوق، منظور از پیوستگی بصری، گسترش ارتباط بصری فضاها و پیوستگی ساختاری، تبدیل تدریجی و پیوسته فضایی به فضای دیگر است لذا می‌توان برای پیوستگی فضایی، دو مؤلفه مفهومی الف) پیوستگی بصری یا شفافیت فضا و ب) پیوستگی ساختاری یا تداوم فضا را در نظر گرفت.

روش نحو فضا در تحلیل کالبدی سکونتگاه‌های انسانی

پیکره بندی موضوعی است که همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است و به ابزاری جهت تحلیل کالبد معماری در دانشگاه ها تبدیل شده است(Falakian et al,2021:41). در اواخر دهه ۱۹۷۰، نحو فضا از طریق پژوهشهای تئوری دانشگاهی، به عنوان یک رشته و از طریق آزمایش عملی نظریه‌های آن در پروژه‌های معماری توسعه یافت(Bolton et al,2017: 5). پیشگام این تکنیک، بیل هیلیر (Yamu et al,2021:1)، در سال ۱۹۸۴ میلادی با همکاری جولیان هانسون[۲۰] در کتابی با عنوان منطق اجتماعی فضا نظریه ای جدید از فضا را به عنوان جنبه ای از زندگی اجتماعی بیان کردند (Yamu et al,2021:3، Hillier et al,1984)،(Zou,Liu,2021: 1). او در این کتاب با تکیه بر مفهومی به نام نحوفضا، سعی در کشف قوانینی داشت که از بررسی الگوهای مختلف چیدمان در فضاها، منعکس کننده شیوه زندگی کاربران خود بود. بنابراین با استفاده از روش نحوفضا می‌توان به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی ساکنان آن که بر شکل گیری الگوهای فضایی مختلف تأثیر گذار هستند، پی برد (Hillier,2007,44,Turner,2007:104).

نظریه نحو فضا، مجموعه ای از تئوری ها و روش ها برای مدلسازی و تجزیه و تحلیل فضاها (karimi,2018,1) و ایجاد رابطه علّی بین جامعه انسانی و معماری کالبدی است که مطابق با نظریه هیلیر بر ۲ ایده استوار است. الف) فضا در پس زمینه فعالیت نیست بلکه از جنبه‌های ذاتی فعالیت است که از ۳ طریق حرکت درون فضا، تعامل مردم دیگر در فضا و دیدن فضا از نقطه ای درون آن، انجام می‌شود. ب) فضای انسانی محدود به یک فضا نیست، بلکه از رابطه متقابل بین فضاهای مختلف است که سیستم کلی شکل می‌گیرد و هیلیر آن را پیکره بندی می‌نامد (سعادتی وقار و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۶۱). به تعبیری دیگر، ویژگی های بصری و حرکت انسان در یک فضا است که فضای معماری را تشکیل می‌دهد(Hamedani golshan,2019:10). سازمان فضایی مرزهای عملکرد فضا را تعیین می‌کنند، از این رو وظیفه اصلی آن این است که فضاها را با توجه به نیاز ساکنانش مرتب کند(Raviz et al,2015:65)، (فتح بقالی و همکاران، ۱۴۰۰، ۵۳). به همین دلیل این نظریه، روشی برای توصیف پیکره بندی فضایی شناخته می‌شود (Kohsari et al,2019:3)، (Ascensao,2019:2)، (Asif et al,2018:523)، (مظاهری و همکاران؛ ۱۳۹۷: ۹۹). بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هر تغییری در نحوه چیدمان فضاها، تغییراتی را سطح کل پیکره بندی فضایی ایجاد خواهد کرد.

این تکنیک دارای دو ابزار تحلیلی شامل نمودارهای توجیهی و نرم‌افزار تخصصی دپس مپ[۲۱] است که برای خواندن روابط اجتماعی موجود در فضا استفاده می‌شود (yu,Ostwald,2018: 500)، (Kwon & Sailer,2015)، (زارعی و یگانه،۱۳۹۷: ۸۳) که در این پژوهش جهت تحلیل نمونه‌های موردی از ابزار تحلیلی نمودار توجیهی استفاده شده است. اساس شکل گیری نمودار توجیهی تئوری نحوفضا، بر گرفته از نظریه گرافها و ترکیبی از توصیفات ساده نقطه، خط، فضا برای نمایش لایه ای از محیط ساخته شده است که می‌توان از نظر ریاضی رابطه پیکره بندی فضاها را در یک محدوده تعیین شده مورد سنجش قرار داد (Al-Mohannadi et al,2019,340). با استفاده از این ابزار، ساختار هر محیط در قالب یک گراف ترسیم می‌شود که در آن هر دایره نماد یک فضا و هر خط نشان دهنده ارتباط میان فضاهای مختلف آن است. با استفاده از این نمودارها، ساختار و جانمایی اجزای مختلف پلان به صورت بسیار ساده و خوانا ترجمه می‌شود(Asif et al,2018:524). در نگرش نحو فضا، با استفاده از شاخص‌های زیر به بررسی ویژگی‌های اجتماعی نمونه ها پرداخته می‌شود. ارتباط (اتصال): به معنی تعداد پیوندهایی است که به طور

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

مستقیم بین هر فضا با فضاهای دیگر ایجاد می‌شود. هر چه تعداد اتصال هر فضا به فضاهای مجاور بیش تر باشد، آن فضا عمومی تر و هرچه این مقدار کمتر باشد، آن فضا خصوصی تر است. همچنین اتصال بصری را می‌توان میزان مشاهده مکان از سایر فضاها تعریف کرد (Ascensao et al,2019, 2). همچنین برای عامل تحلیلی دسترسی، دو حالت دسترسی فیزیکی و بصری قابل سنجش است (حیدری و کیایی، ۱۳۹۸: ۶۵). همپیوندی: همپیوندی هر فضا در پیکره بندی فضایی به معنی میزان پیوستگی یا جدا افتادگی آن نسبت به سایر فضاهای موجود در آن پیکره بندی است. مفهوم همپیوندی به نوعی با مفهوم عمق ارتباط دارد، به این معنی که فضایی همپیوند خوانده می‌شود که دیگر فضاهای محیط در عمق نسبتا کمی از آن قرار داشته باشند. این مفهوم با شاخص اتصال نیز دارای رابطه مستقیم و خطی است، به این معنی که هر چه تعداد ارتباط با یک فضا از جانب فضاهای مجاورش بیشتر باشد، آن فضا از همپیوندی بیشتری برخوردار است. از مهمترین نتایج و متغییرهای نحوفضا ضریب همپیوندی می‌باشد که در مقایسه مقدار این ضریب در هر فضا، شناخت خصوصی و عمومی بودن فضا حاصل می‌شود (زارعی و یگانه، ۱۳۹۷: ۸۲). کنترل: پارامتری است که درجه اختیار نقطه از نقاطی دیگر که به آن ها متصل شده اند، مشخص می‌کند. انتخاب: درواقع،یک فضا وقتی دارای انتخاب‌های زیاد است که تعداد زیادی از کوتاهترین مسیرهای ارتباط دهنده، از آن فضا عبور کنند (سهیلی و عارفیان،۱۳۹۳: ۴۷۹)، (بشیرزاده و همکاران،۱۴۰۰: ۲۳۷). عمق: مفهوم عمق در تکنیک نحوفضا، به معنی تعداد فضاهایی است که فرد باید از یک نقطه (در اکثر مواقع عمق نسبت به ورودی بنا سنجیده می‌شود) طی کند تا به نقطه دیگر برسد(معماریان،۱۳۸۱، ۸۱)، (بشیرزاده و همکاران،۱۴۰۰: ۲۳۷). هر چه عمق فضا کم تر شود، تفکیک و جداسازی فضایی کاهش یافته و در نتیجه فضا یکپارچه تر است که نشان دهنده ارزش ادغام بالاتر و در دسترس بودن فضاست.

مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی در تهران

تغییر سبک زندگی به شیوه غربی در تهران، ریشه در تحولاتی است که در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی،کالبدی و مدیریتی شهر در دوره رضا خان اتفاق افتاد. این تحولات باعث تغییر اساسی درگرایش‌های ذهنی و اعتقادات شدکه بازتاب آنها در قالب الگوهای رفتاری تجلی یافته و معماری خانه ها را تحت تأثیر قرار داد.

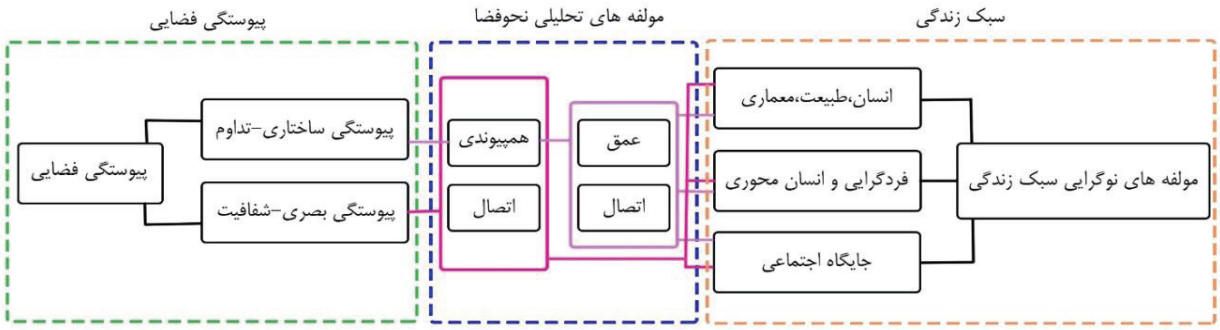
در جدول ۲ مؤلفه‌های مصداقی نوگرایی سبک زندگی منتج از تحولات عرصه‌های گوناگون در سطح جامعه که بر اساس مطالعات پیشین که شرایط و تغییرات در جامعه آن دوره را بیان کرده اند، گردآوری شده است. سپس این مصداق ها به لحاظ قرابت مفهومی مورد بررسی و تطبیق قرار گرفته است. با توجه به قرابت مفهومی که در مؤلفه‌های مصداقی دیده می‌شود، مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی تدوین و در نهایت ۳ مؤلفه نوگرایی سبک زندگی با عنوان ۱- انسان،طبیعت،معماری (که منظور تعاملات میان انسان با انسان، انسان با طبیعت و انسان با محیط ساخته شده پیرامونش است)، ۲-فردگرایی و انسان محوری (که منظور توجه به فردیت انسان است) و ۳-جایگاه اجتماعی تنظیم شده است.

جدول ۲- مؤلفه‌های مصداقی و مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی در دوره پهلوی دوم

مؤلفه‌های مصداقی نوگرایی در سطح جامعه	مؤلفه‌های عینی نوگرایی سبک زندگی	مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی
لغو امریه کشف حجاب و انتخابی بودن آن (منظورالاجداد،۱۳۷۹، ۲۷۲)، (حکمت،۱۳۵۵، ۱۶۶)	اهمیت نقش زن در زندگی و فضای کار	انسان - طبیعت- معماری
برابری زن و مرد (ساناساریان،۱۳۸۴، ۱۱۳)، (خاقانی،۱۳۵۲، ۴۳)		
تغییر قوانین خانواده و کار به نفع زنان(ساناساریان،۱۳۸۴، ۱۴۴-۱۴۵)		
شکل گیری طبقه جدید به دلیل گسترش نوسازی و صنعتی شدن کشور (آبراهامیان،۱۳۷۹، ۵۲۷-۵۳۱)، (خلیلی‌خو، ۱۳۷۳، ۲۴۲) و گسترش مراکز آموزشی (خاقانی،۱۳۵۲، ۳۹)، (هدایت،۱۳۴۴، ۳۸۶)، (رجبی،۱۳۵۵، ۷۱)	افول طبقات سنتی	
	شکل گیری فاصله طبقاتی اجتماعی	
	شکل گیری طبقات جدید اجتماعی	
	زندگی فرهنگی بر پایه دیدگاه غیر سنتی	
	استفاده از عناصر جدید معماری مانند تراس	
غرب گرایی (مختاری طالقانی،۱۳۹۰، ۲۵)، (حکیم اللهی،۱۳۴۶، ۲۳۴)	استفاده از الگوهای غربی در زندگی	
نوع پذیرش مهمان بر اساس صمیمت (حکیم اللهی،۱۳۴۶، ۳۵۳)	دسته بندی افراد بر اساس صمیمیت ارتباط	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی	مؤلفه‌های عینی نوگرایی سبک زندگی	مؤلفه‌های مصداقی نوگرایی در سطح جامعه
فردگرایی	نیاز به کاربری‌های جدید در خانه (کتابخانه – استخر – اتاق بازی– اتاق کار)	گذران اوقات فراغت(بازی ها ، ورزش،رفت وآمدها) (کاتوزیان،۱۳۷۲، ۳۱۵)
		انجام بخشی از کار و فعالیت روزانه مرد در خانه (رستگار خالد،۱۳۸۵، ۴۲)
		افزایش درآمد و مصرف در شهر(کاتوزیان،۱۳۷۲، ۳۲۲)
	عادات زندگی	تقسیم وظایف بر اساس جنسیت (خاقانی،۱۳۵۲، ۳۵)
	انجام امور خدماتی و تدارکاتی توسط خدمه	
جایگاه اجتماعی	ایجاد مشاغل جدید،متخصصان آزاد،فن آگاهان در بخش خصوصی و کارمندان و نیروهای نظامی و ...	زنان شاغل،شکل گیری سازمانهای متعدد زنان (ساناساریان،۱۳۸۴، ۱۲۵)
		گسترش سریع آموزش بـه سـبک غربـی (اشـرف و بنـوعزیزی،۱۳۷۲، ۱۰۸–۱۰۹)، (خلیلی خو،۱۳۷۳، ۲۴۲) تشکیل سپاه دانش برای مقابله با بیسـوادی (حکـیم اللهـی، ۱۳۴۶، ۳۴۹–۳۵۵)
		برخورداری از امکانات و موقعیت‌های خوب طبقه متوسط (اشرف و بنوعزیزی، ۱۳۷۲، ۱۰۸–۱۰۹)
		مهاجرت از روستاها به شهرها و افزایش جمعیت شهر (کاتوزیان،۱۳۷۲، ۳۲۲)
	نیاز به کاربری‌های جدید در خانه	افزایش درآمد و مصرف در شهر (کاتوزیان،۱۳۷۲، ۳۲۲)
	نقش اجتماعی افراد	شاغل بودن زنان پا به پای مردان (ساناساریان،۱۳۸۴، ۱۱۳)
		فراگیر شدن تحصیلات برای همه اقشار جامعه تا اعزام کتابخانه‌های سیار عشایری (حکیم اللهی،۱۳۴۶، ۳۵۰)
		اعزام دانشجو به خارج از کشور (حکیم اللهی،۱۳۴۶، ۳۵۰)
		گسترش صنایع جدید (اشرف و بنو عزیزی،۱۳۷۲، ۱۰۸–۱۰۹)



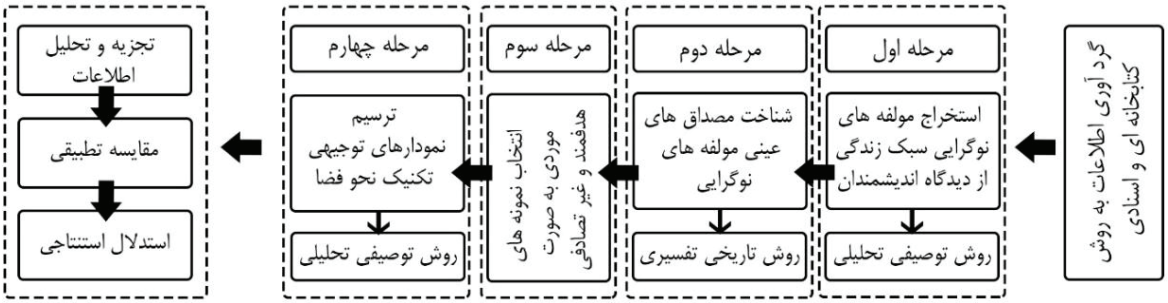
تصویر ۲– چهارچوب مفهومی پژوهش

با توجه به مطالب عنوان شده، مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی از ۳ مؤلفه، الف) انسان، طبیعت، معماری(تعاملات)، ب) فردگرایی و انسان محوری و ج) جایگاه اجتماعی تشکیل شده است که هر کدام از این مؤلفه ها به نحوی در گرایشات ذهنی و الگوهای رفتاری تأثیر گذاشته و سبب تغییر در کالبد خانه ها شده است. این مؤلفه ها بر اساس ۳ مؤلفه تحلیلی نحو فضا (عمق،اتصال،همپیوندی) که از میان سایر مؤلفه‌های تحلیلی تکنیک نحو فضا، جهت دستیابی به نتایج متناسب تر بودند، مورد سنجش قرار گرفته تا چگونگی پیوستگی فضایی که خود شامل ۲ مؤلفه پیوستگی ساختاری–تداوم و پیوستگی بصری– شفافیت مشخص شود. در واقع از سنجش مؤلفه‌های عمق و اتصال، شاخص همپیوندی حاصل می‌شود که می‌توان آن را با پیوستگی ساختاری یا تداوم در ارتباط دانست و همچنین، از سنجش مؤلفه‌های اتصال و همپیوندی، می‌توان پیوستگی بصری یا شفافیت را مورد بررسی قرار داد.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

روش تحقیق

پژوهش پیش رو یک تحقیق کیفی است. تحقیق کیفی ماهیتی چند روشی دارد که پژوهشگران، رویداد ها را در شرایط طبیعی خود مطالعه می‌کنند و تلاش آنها، فهم یا تفسیر پدیده ها از نظر معانی است (گروت و وانگ،۱۳۹۴، ۱۷۶). در این پژوهش از دو روش تحقیق تاریخی–تفسیری و توصیفی–تحلیلی به صورت آمیخته استفاده شده است. در ابتدا، با روش توصیفی– تحلیلی، با استناد به نظرات صاحب نظران در حوزه اجتماعی–فرهنگی، مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی استخراج و طبقه بندی شده است. سپس در مرحله بعدی با استفاده از روش تحقیق تاریخی– تفسیری که در آن محقق به دنبال کشف واقعیات و رسیدن به یک نتیجه در مورد وقایع گذشته است، مصداق‌های عینی مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی در سطح جامعه دوره پهلوی که طبق نظرات اندیشمندان استخراج شد، ارائه و دسته بندی شده است. در واقع تلاش بر این است که حقایق گذشته را از طریق جمع آوری اطلاعات ارزشیابی شود. سپس بر اساس روش توصیفی–تحلیلی که هدف از این نوع پژوهش، توصیف عینی و بدون هیچ گونه دخالت است، با نگاهی کل نگر به بررسی و ارزیابی نمونه‌های موردی بر مبنای تئوری نحوفضا پرداخته شده است. در واقع در راستای تحلیل ساختار خانه ها و روابط اجتماعی آنها، گراف‌های توجیهی تکنیک نحوفضا، برای هر یک از نمونه‌های مورد مطالعه به عنوان ابزاری تحلیلی، ترسیم و به تحلیل و بررسی نمودارهای توجیهی پرداخته شده است.گردآوری اطلاعات به صورت مطالعات کتابخانه ای و اسنادی است. همچنین در روند انتخاب نمونه‌های موردی، نمونه هایی انتخاب شده اند که در درجه اول مفاهیم نوگرایی در آنها دیده می‌شد و در درجه دوم، نقشه‌های آنها به صورت کامل، قابلیت دسترسی داشتند. لذا انتخاب نمونه‌های مورد مطالعه، به صورت انتخاب هدفمند و غیر تصادفی می‌باشد. درانتها با مقایسه تطبیقی یافته‌های به دست آمده از نتایج اولیه و با استفاده از روش استدلال استنتاجی، به بحث در مورد یافته‌ها و در نهایت به بیان نتیجه پرداخته شده است.



تصویر ۳– فرآیند انجام پژوهش

یافته‌های تحقیق

معرفی نمونه‌های موردی

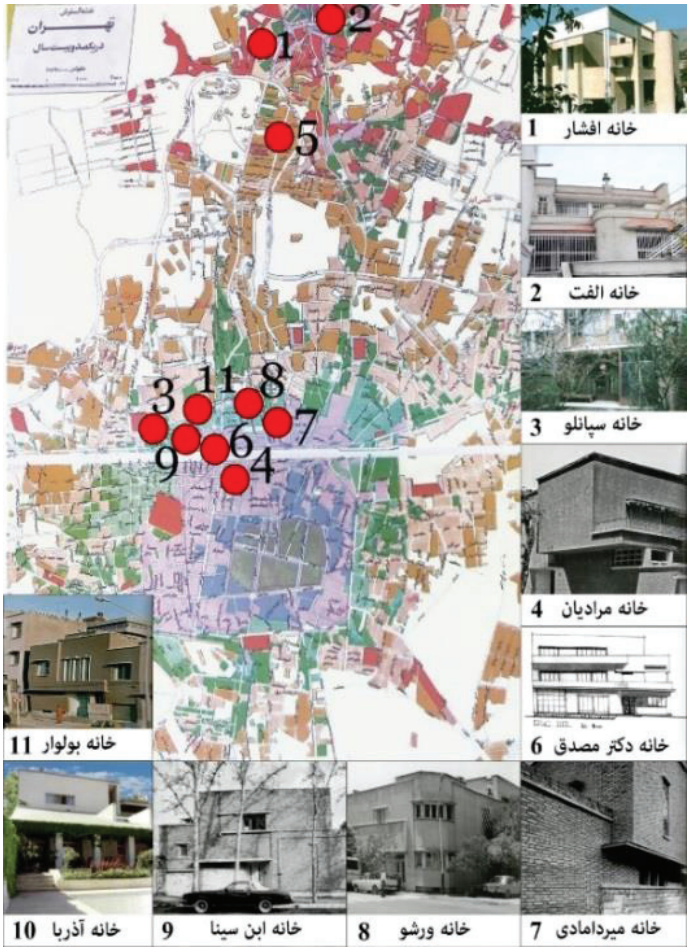
مدرنیزاسیون که هدف بزرگ رضاشاه بود، شامل تغییر بنیادی در نحوه زیست اعضای جامعه بود که این تغییر در سبک زندگی، تغییر در معماری مسکن را متناسب با نیازها وخواسته‌های جدید را سبب شد. تهران یکی از مراکز مهم تحولات اجتماعی و سیاسی کشور است و با پیشینه تاریخی خود، دارای بافت شهری و معماری ارزشمندی است و به دلیل پایتخت بودن و تمرکز بنیادهای سیاسی و اقتصادی در آن، نسبت به شهرهای دیگر، تأثیر مدرنیزاسیون را زودتر تجربه کرد. از طرفی پیتر آوری، در کتاب خود، طبقات اجتماعی ایران در دوره پهلوی را به ۳ دسته اصلی تقسیم بندی می‌کند: ۱– طبقات بالا و با نفوذ (دولتمندان)، ۲– طبقات متوسط (کارمندان و صاحبان حرفه و فن) ۳– کارگران و مهاجران روستایی و عشایری که از میان این ۳ گروه، دولتمندان و به تقلید از دولتمندان، طبقه متوسط، خواهان تغییر مسکن به شیوه جدید بودند (آوری،۱۳۷۶، ۶۷).

همچنین از آغاز دهه های۳۰ و عمدتا در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی، دانشجویان ایرانی که برای تحصیل به خارج از ایران رفته بودند و در کنار آنان، معماران و محققان خارجی و بعد ها دانشجویان فارغ التحصیل دانشکده هنرهای زیبا، معماری ایران را از معماری سنتی قاجار جدا کرده و به سمت سبک و سیاق غرب سوق دادند. درصد زیادی از کارهایی که در زمینه ساخت و ساز انجام می‌شد توسط دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا طراحی و اجرا می‌شد و اینگونه معماران گذشته به فراموشی سپرده شدند. به همین جهت این دوره به عنوان دوره تلفیق معماری ایران و غرب شناخته می‌شود. در این پژوهش نیز خانه هایی به عنوان نمونه موردی انتخاب شده اند، که در درجه اول مفاهیم نوگرایی در آنها بیشتر دیده می‌شد و در درجه دوم اسناد و مدارک نقشه ای آنها کامل بوده است. در تصویر ۴، موقعیت مکانی نمونه‌های مورد مطالعه در نقشه تهران در سال ۱۳۵۰ نمایش داده شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

در مطالعات پیشین پیرامون موضوع خانه‌های دوره پهلوی و دوره زندگی مدرن در ایران، فضای آشپزخانه به عنوان یکی از مهمترین عرصه‌های حضور زنان در خانه (کامی شیرازی و همکاران، ۱۳۹۷، ۶۴) معرفی شده است که با توجه به ظهور کالاها و فناوری ها و تغییر سبک زندگی، نسبت به دوره قاجار، چه به لحاظ جانمایی و چه به لحاظ کارکرد، دچار دگرگونی‌های بسیاری شده است. در بررسی اولیه پلان‌های نمونه‌های مورد مطالعه، مشابهت‌ها و تفاوت هایی دیده شد که بر اساس آن، قابلیت طبقه‌بندی خانه‌ها، بر ۲ اساس الف) موقعیت قرارگیری آشپزخانه و دسترسی به آن و ب) وجود یا عدم وجود فضای اسکان خدمه، جهت تفکیک الگوی رایج سکونت در درون خانه‌ها مشخص شد. لذا جهت تبیین و تفکیک الگوهای سکونت رایج در نمونه‌های مورد مطالعه در پلان‌ها، فضای آشپزخانه با رنگ نارنجی، فضاهای مربوط به اسکان خدمه از جمله فضای خواب، سرویس بهداشتی و حمام مخصوص افراد خدمه با رنگ فیروزه‌ای، فضاهای ارتباطی با رنگ آبی تیره، فضاهای فرعی از جمله تراس، ایوان، هال تقسیم، پیش ورودی با رنگ سبز و سایر فضاهای اصلی سکونت (همانند، اتاق خواب، پذیرایی و نشیمن و...) با رنگ زرد در پلان ها مشخص شده است.

در جدول ۳ موقعیت قرار گیری آشپزخانه و دسترسی به آن و همچنین وجود و یا عدم وجود فضاهای مربوط به اسکان خدمه جهت طبقه بندی نمونه‌های مورد مطالعه ارائه شده است. بر همین اساس با مقایسه تطبیقی پلان‌ها، نمونه‌های مورد مطالعه به لحاظ الگوهای سکونت رایج دسته بندی شدند.

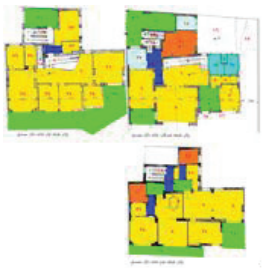


تصویر ۴- موقعیت مکانی نمونه‌های مورد مطالعه در نقشه سال ۱۳۵۰ شهر تهران

جدول ۳- بررسی موقعیت آشپزخانه و فضاهای مرتبط با خدمه در نمونه‌های مورد مطالعه

نمونه‌های مورد مطالعه دوره پهلوی دوم		
 خانه افشار	 خانه الفت	 خانه سپانلو
موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت آشپزخانه (همکف و اول)	موقعیت آشپزخانه (همکف)
دسترسی از نشیمن دسترسی به حیاط خلوت	دسترسی از راهرو (همکف) دسترسی از نشیمن (اول)	دسترسی از راهرو دسترسی به حیاط خلوت
عدم وجود فضای اسکان خدمه	عدم وجود فضای اسکان خدمه	عدم وجود فضای اسکان خدمه

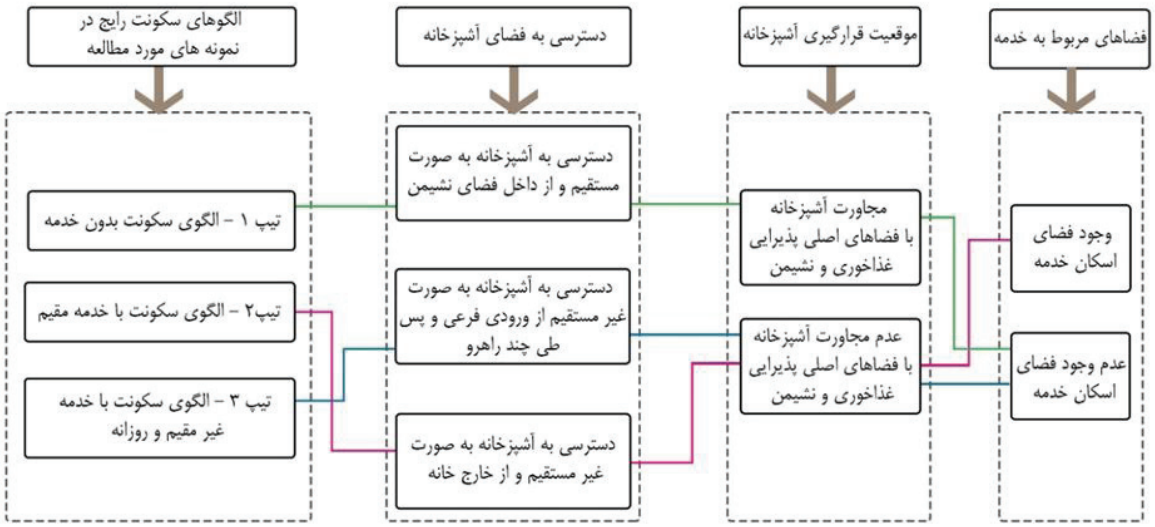
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

نمونه‌های مورد مطالعه دوره پهلوی دوم		
		
خانه مرادیان	خانه شماره۲	خانه آذربا
موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت آشپزخانه (همکف)
دسترسی از راهرو	دسترسی از نشیمن دسترسی از راهرو	دسترسی مستقیم از حیاط خلوت دسترسی بلافاصله بعد از ورودی
عدم وجود فضای اسکان خدمه	عدم وجود فضای اسکان خدمه	عدم وجود فضای اسکان خدمه
		
خانه مصدق	خانه میردامادی	خانه ورشو
موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت اشپزخانه (همکف)
دسترسی از ورودی فرعی، عبور از راهرو خدماتی دسترسی از حیاط	دسترسی غیر مسقیم و بعد عبور از راهرو	دسترسی از ورودی فرعی و بعد از راهروی خدماتی و در ارتباط با آبدارخانه و انبار
فضای اسکان خدمه در طبقه همکف با دسترسی مجزا از حیاط	فضای اسکان خدمه در طبقه همکف با دسترسی مجزا از حیاط	فضای اسکان خدمه در طبقه زیر زمین و دسترسی از ورودی و راهروی مجزا
		
خانه ابن سینا	خانه بولوار	
موقعیت آشپزخانه (همکف)	موقعیت آشپزخانه (همکف)	
دسترسی غیر مستقیم از ورودی فرعی خانه بعد از عبور از راهرو	دسترسی غیر مستقیم از ورودی فرعی خانه بعد از عبور از راهرو	
عدم وجود فضای اسکان خدمه	عدم وجود فضای اسکان خدمه	

با توجه به مطالب ارائه شده در جدول ۴ می‌توان نمونه ها را بر اساس موقعیت آشپزخانه و دسترسی‌های آن و فضاهای مربوط به خدمه به ۳ دسته کلی تقسیم بندی کرد: ۱-خانه هایی که در پلان آنها فضایی برای اسکان خدمه وجود ندارد و همچنین دسترسی به آشپزخانه از داخل خانه و عموما از نشیمن است. ۲-خانه هایی که در پلان آنها فضایی برای اسکان خدمه وجود دارد که در این خانه ها آشپزخانه و سایر فضاهای خدمت رسانی در مجاورت با هم هستند، در این خانه ها آشپزخانه به طور مستقیم از داخل خانه دسترسی ندارد و پس از عبور از

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

چندین راهروی تو در تو دسترسی میسر می‌شود. ۳-خانه هایی که پلان آنها فضایی برای اسکان خدمه وجود ندارد اما موقعیت آشپزخانه به صورتی است که دسترسی از ورودی فرعی و پس از عبور از چندین راهروی تو در تو میسر است. بر همین اساس، الگوی رایج سکونت در خانه ها به ۳ گروه تقسیم بندی شدند: تیپ ۱- الگوی سکونت بدون خدمه، تیپ ۲- الگوی سکونت با خدمه مقیم، تیپ، ۳- الگوی سکونت با خدمه غیر مقیم و روزانه (تصویر ۵).



تصویر ۵ – چگونگی طبقه‌بندی خانه‌ها بر اساس الگوی رایج سکونت

با توجه به مطالب عنوان شده، می‌توان نمونه‌های مورد مطالعه این پژوهش را از نظر الگوی سکونت رایج، به صورت زیر دسته بندی کرد:

۱- تیپ ۱ (الگوی سکونت بدون خدمه) خانه افشار، الفت، سپانلو، مرادیان، شماره ۲، آذربا

۲- تیپ ۲ (الگوی سکونت با خدمه مقیم) خانه دکتر مصدق، میردامادی، ورشو

۳- تیپ ۳ (الگوی سکونت با خدمه غیر مقیم و روزانه) خانه ابن سینا، بولوار

با توجه به پلان ها، حذف برخی از فضاهای خانه سنتی مانند پستو، سرداب، آب انبار و از طرفی ایجاد فضاهای جدیدی مانند پارکینگ، دفتر کار، اتاق مطالعه، اتاق مهمان مشاهده شد که بیانگر تغییر در نیازها و خواسته‌های افراد است. از طرفی دیگر تغییر در جانمایی و کارکرد برخی فضاها مانند حیاط، آشپزخانه، اتاق، پذیرایی در معماری خانه‌های برونگرا مشاهده شد. به عنوان مثال حیاط در خانه‌های ایرانی سنتی برخلاف گونه‌های معاصر آن، نقش بسیار مهمی در شکل دهی به ساختار فضایی خانه دارد. در واقع موقعیت حیاط به گونه ای بود که سایر فضاها در اطراف آن استقرار داشتند و حیاط به عنوان یک مفصل ارتباطی قوی و قلب تپنده خانه بود. اما با تحول سبک زندگی و ساخت خانه ها با الگوی نوین، این ساختار تغییر کرد. حیاط در این خانه ها دیگر کارکرد و موقعیت طراحی سنتی را ندارد و از یک عنصر مرکزی با کارایی بالا و به عنوان هسته مرکزی، به یک عنصر منزوی در خانه ها تبدیل شده است.

همچنین در معماری سنتی مطبخ داخل حیاط ساخته می‌شد و تنها دسترسی آن از حیاط مرکزی بود و به دو قسمت اندرونی و بیرونی خانه نزدیک بود. همچنین روزن‌هایی در سقف برای تهویه‌ی دود و دم حاصل از سوخت اجاق‌ها که غالباً از سوخت و گون صحرایی و فضولات حیوانی استفاده می‌شد، تعبیه می‌کردند و در مجاورت با مطبخ معمولا آب انبار و چاه آب قرار داشت. اما این فضا به عنوان یکی از مهمترین فضاهای حضور زنان در خانه، بر اثر تحولات مختلف از جمله تغییر سبک زندگی و تکنولوژی و کالاهای مصرفی، دچار دگرگونی شده است، به نحوی که موقعیت قرار گیری آشپزخانه از حالت منزوی در حیاط، به درون واحد تغییر کرده است.

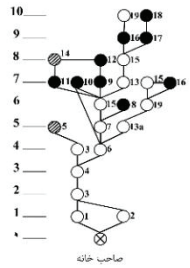
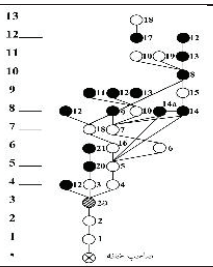
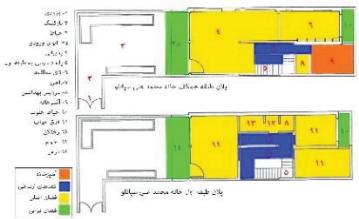
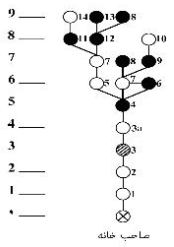
همچنین در معماری سنتی ایران، اتاق ها به صورت ۳ دری و ۵ دری، تالار و ... ساخته می‌شد که هر کدام ویژگی خودش را داشت. از اتاق‌های ۳ دری برای اتاق خواب استفاده می‌شد و برخی دیگر از اتاق قابلیت چند عملکردی داشتند. در پشت اتاقی که برای خواب استفاده می‌شد، پستویی همراه با گنجه‌های عمیق در دار، وجود داشته است. دسترسی به اتاق معمولا از حیاط تامین می‌شد و دسترسی به پستو فقط از داخل اتاق تامین می‌شده است. اما اتاق در دوره پهلوی، علاوه بر اینکه تک عملکردی شد و برای هر یک از اتاق ها نامی مجزا قرار گرفت، قابلیت چند عملکردی آنها نیز از بین رفت. اتاق هایی که به عنوان اتاق خواب مورد استفاده قرار می‌گرفت، معمولا در طبقه بالای همکف

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

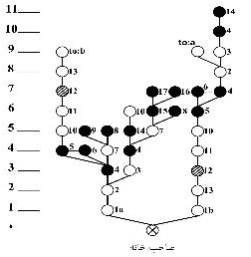
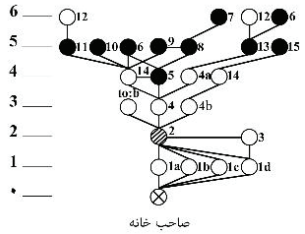
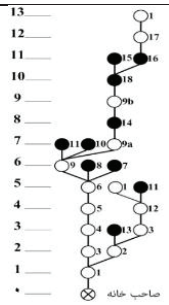
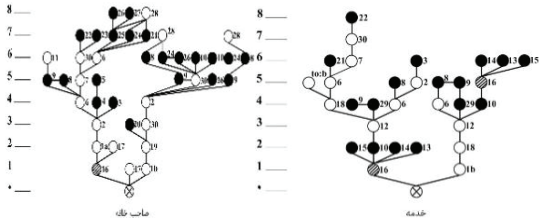
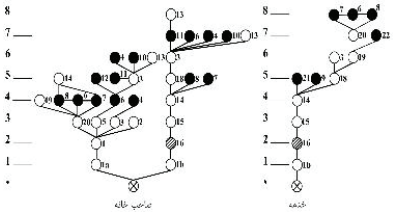
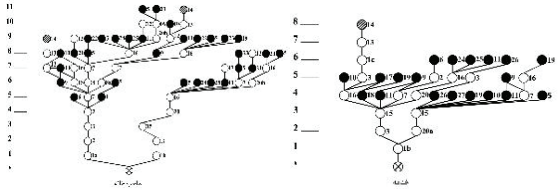
استقرار داشتند و دسترسی به اتاق ها از راهرو تامین می‌شد و در برخی از خانه ها و در برخی از اتاق ها، فقط یک دسترسی به عنصر جدید الورودی به نام تراس داشتند. در معماری خانه سنتی، از فضای تالار که یک اتاق ۵ دری و یا ۷ دری بود برای پذیرایی از مهمانان خاص استفاده می‌کردند. همچنین اتاق نشیمن که درجه اهمیت کمتری نسبت به تالار داشت محل تجمع افراد خانواده و مهمان‌های بسیار نزدیک بود که سرو غذا در هر دو فضای تالار و اتاق نشیمن انجام می‌شد. هم تالار و هم نشیمن هر دو رو به حیاط بودند و دسترسی آنها از حیاط تامین می‌شد. اما در دوره پهلوی که ساختار خانه به کلی تغییر یافت، فضای پذیرایی از مهمان نیز دچار تغییر و تحول شد و به دو قسمت پذیرایی و غذاخوری تبدیل شد که فضای نشیمن نیز در مجاورت با این فضاها قرار گرفت. فضای پذیرایی، غذاخوری، نشیمن، به صورت مجزا ولی در ارتباط با هم در مجاورت با هم قرار گرفتند و دسترسی به آنان از طریق هال یا سرسرا میسر می‌شد. بنابراین با توجه به بررسی‌های اولیه بر روی نمونه‌های مورد مطالعه، می‌توان تغییر در کالبد خانه ها را به ۲ دسته تقسیم بندی کرد: الف) حذف و ایجاد فضاها ، ب) تغییر جانمایی و کارکرد برخی از فضاها.

جهت بررسی روابط فضایی خانه‌های مورد نظر، با استفاده از ابزار ترسیمی تکنیک نحوفضا، نمودارهای توجیهی ترسیم شد. در این نمودارها فضای ورودی به ملک، به عنوان فضای پایه و شروع در نظر گرفته شده است. در این نمودارهای توجیهی، دایره ای که در آن علامت ضربدر وجود دارد، به معنای ورودی ملک، دایره تو پر به معنای فضای اصلی، دایره تو خالی به معنای فضای ارتباطی، دایره طوسی رنگ مربوط به حیاط می‌باشد. خطوط عمودی، نمودار عمق و ارتباط رده ای فضاها، خطوط افقی، نمودار ارتباط فضاهای هم رده و خطوط مایل، نشان دهنده ارتباط میان فضاها، این خطوط دو دایره را به هم متصل می‌کنند. همچنین اعداد، نشانگر عمق رده ها هستند. به عبارت دیگر، عمق هر فضا نسبت به فضای مبدا را نشان می‌دهند.

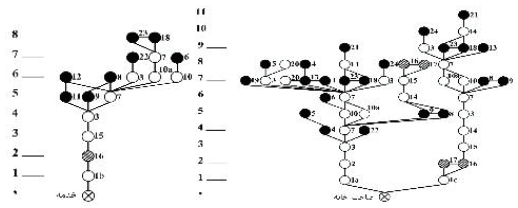
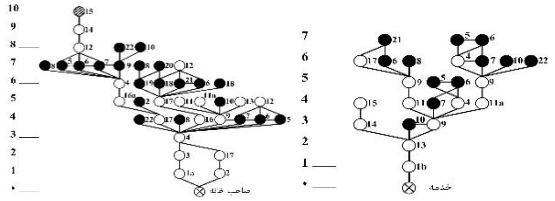
جدول ۴- پلان و نمودار توجیهی نمونه‌های مورد مطالعه دوره پهلوی دوم

	پلان خانه	نمودار توجیهی نحوفضا
خانه افشار	 (فصلنامه‌ی هنرمعماری، ۱۳۹۱، ۹۱)	
خانه الفت	 (اداره کل سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۹۷)	
خانه سپانلو	 (اداره کل سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۹۷)	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

	پلان خانه	نمودار توجیهی نحوفضا
خانه مرادیان	 (شافعی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۳۷)	
خانه شماره ۲	 (بانی مسعود،۱۳۹۱، ۲۹۴)	
خانه آذربا	 (بانی مسعود،۱۳۹۱، ۲۹۵)	
خانه دکتر غلامحسین مصدق	 (شافعی و همکاران،۱۳۹۴، ۱۷۵–۱۷۷)	
خانه میردامادی	 (شافعی و همکاران،۱۳۹۴، ۱۵۸–۱۶۰)	
خانه ورشو	 (شافعی و همکاران،۱۳۹۴، ۲۲۲–۲۲۸)	

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

	پلان خانه	نمودار توجیهی نحوفضا
خانه ابن سینا	 (شافعی و همکاران،۱۳۹۴، ۱۸۵–۱۸۹)	
خانه بولوار	 (شافعی و همکاران،۱۳۹۴، ۱۹۶–۲۰۲)	

با استناد به جدول ۴ که در آن پلان خانه ها و نمودارهای توجیهی ارائه شد، در جدول ۵ سازمان فضایی نمونه ها، با استفاده از شاخص‌های عمق و اتصال مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۵ – محدوده عمقی بیشترین تراکم فضاهای اصلی با توجه به استفاده صاحبان خانه و خدمه از فضا

	خانه ویلایی(برونگرا) دوره پهلوی دوم	الگوی سکونت	محدوده عمقی فضاهای اصلی		میانگین عمق در هر خانه		میانگین عمق در هر تیپ		محدوده عمقی بیشترین تراکم فضاهای اصلی		تعداد فضاهای اصلی در بیشترین محدوده عمقی	
			صاحب خانه	خدمه	صاحب خانه	خدمه	صاحب خانه	خدمه	صاحب خانه	خدمه	صاحب خانه	خدمه
۱	خانه افشار	تیپ۱	۶–۱۰	–	۸	–	۶/۹۸	–	۷	–	۴	–
۲	خانه الفت		۴–۱۲	–	۸	–			۸	–	۴	–
۳	خانه سپانلو		۵–۹	–	۷	–			۷و۸و۹	–	۲	–
۴	خانه مرادیان		۳–۱۱	–	۷	–			۷	–	۴	–
۵	خانه شماره ۲		۴–۶	–	۵	–			۵	–	۷	–
۶	خانه آذربا		۳–۱۱	–	۷	–			۷و۱۱	–	۲	–
۷	خانه دکتر مصدق	تیپ۲	۳–۸	۲–۸	۵/۵	۵	۶/۳۰	۵/۴۵	۶	۶	۷	۵
۸	خانه میردامادی		۴–۷	۵–۸	۵/۵	۶/۵			۴	۸	۵	۳
۹	خانه ورشو		۵–۱۱	۴–۶	۸	۵			۹	۴	۱۰	۸
۱۰	خانه ابن سینا	تیپ۳	۴–۱۱	۵–۸	۷/۵	۶/۵	۶/۷۵	۵/۷۵	۷	۸تا۵	۷	۲
۱۱	خانه بولوار		۴–۸	۳–۷	۶	۵			۷	۶	۷	۵

با توجه به جدول ۵، محدوده عمقی تراکم فضاهای اصلی در الگوی زندگی صاحب خانه در نمونه ها در محدوده۹–۵ متغیر است و همچنین محدوده عمقی تراکم فضاهای اصلی در الگوی زندگی خدمه در نمونه ها در محدوده ۸–۴ متغیر است. در همه نمونه‌های مورد مطالعه به جز خانه شماره ۲ و خانه میردامادی، محدوده عمقی بیشترین تراکم فضاهای اصلی (استفاده افراد صاحب خانه)، از میانگین عمق فضاهای اصلی در خانه بیشتر است. بنابراین به نظر می‌رسد بیشتر بودن این عمق ها در هر دو دوره، بیانگر تعمد طراحان و کارفرمایان برای ایجاد فضاهایی با خلوت فردی بیشتر است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

جدول ۶- حداقل عمق(D)و اتصال(C) در فضاهای اصلی خانه‌های نمونه موردی با توجه به استفاده صاحبان خانه

	خانه‌های برونگرای دوره پهلوی دوم	C-D	پذیرایی	غذاخوری	نشیمن	مهمان	آشپزخانه	مطالعه	دفتر	خواب	حمام	رختکن	سرویس	تراس	حیاط	پارکینگ	انبار	ایوان	هال	حیاط خ	ورودی
بدون خدمه	خانه افشار	C	۲	–	۲	–	۲	–	۲	۱	۱	۲	۱	۳	۱	۲	–	۴	–	۲	۳
		D	۷	–	۷	–	۸	–	۷	۹	۱۰	۹	۶	۶	۵	۱	–	۴	–	۸	۵
	خانه الفت	C	۴	۳	۵	–	۱	–	–	۲	۱	–	۱	۳	۴	۲	–	–	۵	–	۲
		D	۸	۸	۱۰	–	۹	–	–	۱۲	۹	–	۴	۷	۳	۲	–	–	۷	–	۶
	خانه سپانلو	C	۴	–	۴	–	۲	۲	–	۲	۱	۳	۱	۱	۲	۲	–	۲	–	۱	–
		D	۵	–	۵	–	۷	۶	–	۸	۹	۸	۷	۹	۳	۲	–	۴	–	۸	–
	خانه مرادیان	C	۳	۲	۴	–	۱	–	–	۲	۱	۳	۱	۱	۲	۲	–	–	–	–	۳
		D	۴	۴	۳	–	۵	–	–	۵	۷	۶	۵	۵	۳	۲	–	–	–	–	۲
	خانه شماره ۲	C	۳	۱	۴	–	۲	–	–	۲	۱	–	۱	۱	۸	۲	–	–	–	–	–
		D	۵	۶	۴	–	۵	–	–	۵	۵	–	۵	۶	۲	۲	–	–	–	–	–
	خانه آذربا	C	۱	۱	۲	–	۱	–	–	۲	۱	–	۱	۲	۳	–	۱	۲	۴	۳	۲
		D	۶	۷	۸	–	۵	–	–	۱۱	۱۱	–	۶	۱۲	۱	–	۳	۳	۵	۴	۴
خدمه مقیم	خانه مصدق	C	۲	۳	۲	–	۱	–	–	۳	۲	۲	۱	۲	۳	۱	–	–	۴	–	۲
		D	۵	۵	۷	–	۶	–	–	۶	۶	۴	۵	۷	۱	۱	–	–	۴	–	۳
	خانه میردامادی	C	۳	۳	۴	–	–	–	–	۲	۱	–	۱	۲	۲	۱	۱	۴	۵	–	۵
		D	۴	۴	۴	–	–	–	–	۵	۷	–	۴	۷	۲	۳	۵	۴	۳	–	۲
	خانه ورشو	C	۳	۲	۲	۱	–	۱	۱	۲	۱	۲	۱	۴	۱	۱	–	۵	–	۲	–
		D	۶	۸	۶	۵	–	۶	۶	۷	۸	۵	۶	۷	۹	۹	–	۵	–	۲	–
خدمه غیر مقیم	خانه ابن‌سینا	C	۳	۳	۳	۱	۱	۳	۱	۲	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۱	۲	۵	۲	۲
		D	۵	۵	۷	۶	۸	۷	۴	۷	۷	۴	۵	۷	۲	۲	۸	۴	۴	۲	۲
	خانه بولوار	C	۳	۴	۴	–	۱	۳	–	۳	۲	۳	۱	۳	۱	۲	۱	–	۱۰	–	۲
		D	۴	۴	۴	–	۵	۶	–	۶	۷	۶	۴	۵	۱۰	۱	۴	–	۳	–	۲

در این قسمت با توجه به جدول فوق، ابتدا ۲ مؤلفه عمق و اتصال که حاصل آن مؤلفه همپیوندی است، در راستای بررسی پیوستگی ساختاری (تداوم) بررسی می‌شود، سپس با بررسی مؤلفه همپیوندی و اتصال در فضاهای خانه مـی‌تـوان خوانـایی بنـا را در راسـتای پیوسـتگی بصـری (شفافیت) مورد سنجش قرار داد که این موضوع خود، نشانگر پیچیدگی و یا سهولت روابط فضایی است. تفسیر متغییر همپیوندی در پلان‌هـای مسکونی در حقیقت نشان دهنده بعضی اصول معماری ایرانی از جمله محرمیت، تفکیک فضاها، سلسـله مراتـب فضـایی و پیوسـتگی فضـایی می‌باشد. از تحلیل و بررسی جدول فوق که منتج از نمودارهای توجیهی است، می‌توان مطالب زیر را صورت بندی کـرد: در مـورد محـل‌هـای قرارگیری فضاهای پذیرش مهمان، مانند سالن پذیرایی، سالن غذا خوری، اتاق یا دفتر کار، می‌توان این طور عنوان کـرد کـه ایـن فضـاها بـه لحاظ رده عمقی، همگی در محدوده عمق‌های میانی قرار دارند و عدد مربوط به اتصال یا ارتباط به این فضاها اکثرا ۳ یا ۴ می‌باشد و این بدین معناست که در این فضاها با چندین فضا در ارتباط هستند که در این صورت با توجه به اعداد مرتبط با عمق و اتصال این فضاها، می‌توان گفت که در این فضاها همپیوندی زیاد است. همچنین با توجه به اینکه عدد اتصال در این نوع فضاها بالاست، پس سهولت روابط فضایی و خوانایی بیشتری در آنها وجود دارد. در مورد اتاق مهمان، با توجه به نمودارهای توجیهی تکنیک نحوفضا، در خانه هایی که در پلان آنها، اتـاق مهمـان دیده می‌شود، این فضا در رده عمقی پایین تری قرار دارند و این موضوع به مفهوم این است که در این خانه ها به جهت جلـوگیری از اخـتلاط فضاهای خصوصی تر مانند اتاق خواب‌های صاحب خانه و فضای استراحت مهمان، این فضا در رده عمقی پایین تری قرار دارد و بـا توجـه بـه اینکه عدد مربوط به اتصال در این فضا ۱ می‌باشد، لذا این فضا به لحاظ پیوستگی در درجه پایین تری قرار دارد. با توجه به درجـه همپیونـدی

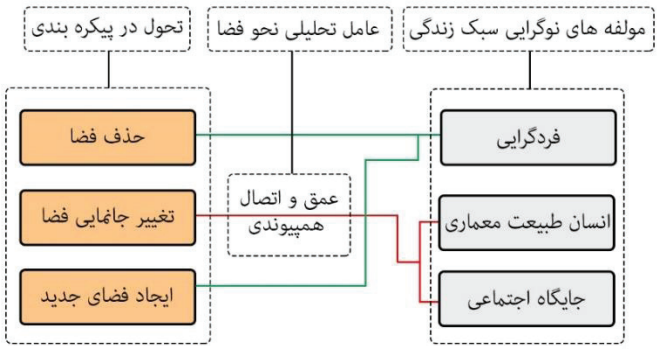
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

پایین و عدد اتصال ۱ در این فضا می‌توان گفت خوانایی کمتری وجود دارد. سالن نشیمن، در همگی این خانه ها، در رده عمقی بالایی قرار دارد و اتصال به این فضاها تعداد ۳ تا ۵ به صورت متغییر می‌باشد و این موضوع بدین معناست که همپیوندی در این فضا بالاست. همچنین که با در نظر گرفتن عدد اتصال یا ارتباط آن که عددی ۳ تا ۵ می‌باشد می‌توان این طور عنوان کرد که این فضا سهولت روابط فضایی و خوانایی بالایی دارد.

با توجه به رده عمقی هال تقسیم یا سرسرا، که در همگی خانه ها در محدوده عمقی پایینی قرار دارد، و با توجه به عدد اتصال یا ارتباط این فضا که اعدادی ۳ تا ۶ می‌باشد، می‌توان این طور نتیجه گرفت که این فضا همپیوندی بالایی دارد. همچنین با توجه به همپیوندی بالا و اتصال بالا، این فضا نیز خوانایی بالایی دارد. فضای آشپزخانه در خانه هایی که در آن ها الگوی سکونت بدون خدمه و خدمه غیر مقیم رایج است، این فضا در رده عمقی میانه قرار دارد و با توجه به عدد مربوط به اتصال آنها که عدد ۱یا ۲ می‌باشد می‌توان این طور نتیجه گرفت که در این فضا همپیوندی پایینی وجود دارد. همپیوندی پایین و اتصال پایین این موضوع را نشان می‌دهد که آشپزخانه به نسبت سایر فضاها، خوانایی کمتری دارد.فضاهایی مانند انبار، اتاق خواب، رختکن، حمام در نمونه‌های مورد مطالعه همگی در عمق‌های بالایی قرار دارند و عدد ارتباط یا اتصال با آنها ۱ یا ۲ می باشد و این بدین معناست که این فضاها خصوصی تر و همپیوندی کمی به نسبت سایر فضاهای خانه ها دارند. همچنین همپیوندی پایین و عدد اتصال پایین نشانگر این مسئله است که فضاهای نام برده به نسبت سایر فضاها در خانه خوانایی کمتری دارند. حیاط و پارکینگ به طور کلی در این خانه ها در رده‌های عمقی پایینی قرار دارد و عدد ارتباط یا اتصال برای آن به صورت میانه ۲ تا ۴ می‌باشد که به نظر می‌رسد که این فضا نیز دارای همپیوندی میانه است. در ارتباط با ایوان ورودی، می‌توان گفت که این فضا در محدوده عمقی پایینی قرار دارند و عدد مربوط به ارتباط یا اتصال آنها ۲ تا ۴ می‌باشد که در این صورت می‌توان گفت که این فضا نیز همپیوندی بالایی دارد. همچنین با توجه به همپیوندی بالا و عدد اتصال بالا، می‌توان این طور نتیجه گرفت که این فضا نیز باعث ایجاد خوانایی و سهولت روابط فضایی می‌شود.

تحلیل داده‌ها

در این قسمت با توجه به اطلاعات مستخرج از بررسی نمونه‌های موردی، تغییرات به وجود آمده در کالبد خانه ها را می‌توان از این منظر مورد تحلیل قرار داد که با توجه به سلسله اقداماتی که از طرف حکومت برای مدرنیزاسیون کشور انجام می‌شد، مانند آموزش به طور گسترده، تغییر ساختارهای اجتماعی (ایجاد طبقه اجتماعی و اقتصادی جدید) و... به مرور نیازها و خواسته‌های افراد وهمچنین گرایش‌های ذهنی آنها را تغییر داد و افراد نیازها و خواسته‌های جدیدی داشتند که پاسخگویی به آنها از طریق تجدد گرایی و مطابق الگوهای غربی میسر می‌شد. لذا با این تغییرات گسترده در سطح جامعه، تغییرات بزرگی در مؤلفه‌های سبک زندگی ایجاد شد که هر کدام از این مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی به نوعی در تغییرات کالبد خانه ها تأثیر گذار بوده اند. تغییرات عمده در ارتباط با فضاهای کالبد خانه به ۲ دسته الف) حذف یا ایجاد برخی از فضاها و ب) تغییر موقعیت جانمایی و کارکرد فضاها تقسیم بندی شد. ارتباط میان مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی مستخرج از نظرات اندیشمندان و تغییرات در کالبد خانه ها را می‌توان این طور توجیه کرد که حذف و یا ایجاد فضاهای جدید در خانه ها در راستای خواسته ها و نیازهای جدید افراد است و این موضوع در ارتباط با مؤلفه "فردگرایی و انسان محوری" به عنوان یکی از مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی، دانست. از طرفی دیگر تغییر موقعیت وکارکرد برخی از فضاها را می‌توان در ارتباط با مؤلفه‌های "انسان، طبیعت، معماری یا تعاملات" و "جایگاه اجتماعی افراد" دانست به نحوی که ارتباطات میان افراد و محیط اطراف و جایگاه اجتماعی که افراد در زندگی داشتند، در نحوه پذیرش مهمان، عادات زندگی روزمره، گذران اوقات فراغت و ... تأثیر گذار بوده و این مسائل همگی باعث تغییر در الگوهای رفتاری و به تبع آن تغییر در کالبد و ساختار خانه ها می‌شوند. در تصویر ۶ ارتباطات مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی و تغییرات به وجود آمده در کالبد خانه ها به صورت خلاصه نمایش داده شده است.



تصویر ۶ – رابطه مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی با تحول در پیکره‌بندی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

با توجه به تغییرات ایجاد شده در کالبد خانه‌ها، جهت بررسی پیوستگی فضایی در نمونه‌های مورد مطالعه، جدول ۷ بر اساس جداول ۵ و ۶ که در آنها داده‌های اولیه ارائه شده بود، تنظیم شد. در این جدول پیوستگی فضایی هر فضا به نسبت سایر فضا، مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۷ – تحلیل پیوستگی تک فضاهای اصلی در خانه در یک نگاه

نام فضا	بازه عمقی	میانگین عمق فضا	عوامل تحلیلی فضا				نتیجه گیری	
			عمق	اتصال	همپیوندی	اتصال		
			همپیوندی فضا(پیوستگی ساختاری)		سهولت روابط فضایی و خوانایی (پیوستگی بصری)		پیوستگی ساختاری(تداوم)	پیوستگی بصری(شفافیت)
سالن پذیرایی	۶/۶۷	۵/۱	میانه	۲/۸	دارد	۲/۸	دارد	دارد
سالن غذاخوری		۵/۴۵	میانه	۲/۶۱	دارد	۲/۶۱	دارد	دارد
سالن نشیمن		۵/۷۵	میانه	۳/۱۱	دارد	۳/۲۳	دارد	دارد
اتاق مهمان		۵/۵	میانه	۱	ندارد	۱	ندارد	ندارد
آشپزخانه		۶/۳۳	میانه	۱/۱۶	ندارد	۱/۱۶	ندارد	ندارد
اتاق مطالعه		۶/۱۶	میانه	۲	ندارد	۲	ندارد	ندارد
دفتر کار		۵/۶	میانه	۱/۳۳	ندارد	۱/۳۳	ندارد	ندارد
اتاق خواب		۶/۹۳	زیاد	۲/۲۱	ندارد	۲/۲۱	ندارد	ندارد
حمام		۷/۵	زیاد	۱/۲۶	ندارد	۱/۲۶	ندارد	ندارد
تراس		۶/۸۳	زیاد	۲/۲	ندارد	۲/۲	ندارد	ندارد
سرویس		۵	کم	۱	ندارد	۱	ندارد	ندارد
حیاط		۴/۲۷	کم	۲/۶۱	دارد	۲/۶۱	دارد	دارد
پارکینگ		۲/۵۳	کم	۱/۶۶	ندارد	۱/۶۱	ندارد	ندارد
انبار		۴/۶۶	کم	۱	ندارد	۱	ندارد	ندارد
ایوان		۴/۰۳	کم	۳/۰۳	دارد	۳/۰۳	دارد	دارد
هال یا سرسرا		۴/۳۳	کم	۴/۵	دارد	۴/۵	دارد	دارد
حیاط خلوت		۳/۵۳	کم	۲	ندارد	۲	ندارد	ندارد
ورودی		۲/۹۱	کم	۲/۶۶	دارد	۲/۶۶	دارد	دارد

با توجه به جدول ۷، در خانه‌های مورد بررسی بیشترین ارتباط در فضاهای فیلتر و نشیمن و کمترین آن برای سرویس بهداشتی و حمام می‌باشد. در این خانه ها اتاق‌های خواب به صورت مجزا از هم هستند و هیچ ارتباطی میان آنها وجود ندارد که نشانگر توجه و اهمیت به خلوت فردی است. فضاهای پذیرایی، نشیمن و غذاخوری از جداسازی لازم برخوردار نیستند و تمایلی به نزدیک کردن فضاهای عمومی و خصوصی خانه دیده می‌شود. همچنین در خانه‌های این دوره عمق نسبی اتاق‌های خواب به نسبت سایر فضاهای خانه، عدد بیشتری را به خود اختصاص داده است. میانگین پایین عمق نسبی در خانه‌های این دوره، می‌تواند تمایل طراحان این دوره به حذف فضاهای واسطه در خانه را نشان دهد. جانمایی بی واسطه اغلب فضاهای خانه در اطراف هال مرکزی (اولین فضا بعد از ورودی خانه) می‌تواند از جمله دلایل این نتیجه باشد. در خانه‌های معاصر فضای نشیمن، فضایی با مرتبه نسبی کم و هم پیوندی زیاد که نفوذ به آن آسان تر است. در حالی که باید با ایجاد شرایط سخت‌تری برای نفوذ، محدودیت هایی را ایجاد کرد تا محرمیت لازم ایجاد گردد. در خانه هایی که ۲ فضایی پذیرایی و نشیمن به یک فضا منتقل شوند و مشترک باشند، آن فضا در درون خود با امری متضاد مواجه خواهد شد چرا که هم باید نفوذپذیر باشد و هم نباید نفوذ پذیر باشد که مشکل آن را نمی توان تنها با تغییر در ابعاد فضا حل کرد. همچنین تمایل به فضاهای خصوصی در دوره معاصر سبب شده تا در خانه‌های این دوره، بازشوهای متعدد در یک فضا وجود نداشته و بدین شکل امکان عبور از چندفضا و بازگشت به نقطه اول بسیار محدود تر از دوران سنتی می‌باشد. بنابراین فضاهایی که عمق فضایی کمتر و میانه و تعداد اتصال بیشتری دارند، پیوستگی ساختاری دارند، و تبع آن، فضاهایی که پیوستگی ساختاری دارند و عدد اتصال بیشتری دارند، پیوستگی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

بصری دارند. لذا، فضاهایی مانند سالن پذیرایی، سالن غذاخوری، سالن نشیمن، هال یا سرسرا و ورودی در داخل خانه و حیاط و ایوان در خارج از خانه، فضاهایی هستند که پیوستگی فضایی را به لحاظ ساختاری و بصری توجیه می‌کنند. همچنین می‌توان گفت در میان فضاهایی که پیوستگی فضایی را توجیه می‌کنند، هال یا سرسرا در رتبه اول و بعد از آن سالن نشیمن در رتبه دوم، سالن پذیرایی و غذاخوری در رتبه‌های بعدی به عنوان عامل ایجاد کننده پیوستگی فضایی، هستند و سایر فضاها در اطراف این فضاها سازماندهی شده اند. از طرفی دیگر این سوال مطرح می‌شود که الگوهای سکونتی مختلف در این میان چه نقشی بر پیوستگی فضایی داشته اند. لذا جهت تحلیل پیوستگی فضایی، در هر یک از ۳ گروه خانه که بر اساس الگوی رایج سکونت در آنها طبقه بندی شده اند، درجدول شماره ۸، میانگین عدد اتصال(C) و عمق (D) مستخرج از جدول شماره ۶، برای هر یک از فضاها تنظیم شده است تا بتوان از مقایسه تطبیقی میان ۳ گروه خانه به نتایجی دست یافت. در این جدول قسمت هایی که با رنگ کرم مشخص شده است پیوستگی بیشتر و به ترتیب رنگ سبز و آبی پیوستگی متوسط و کمتر در قیاس باهم دارند.

جدول ۸ – مقایسه همپیوندی فضاهای اصلی خانه در الگوی‌های سکونت متفاوت

نمونه‌های مورد مطالعه دوره پهلوی دوم – استفاده صاحبان خانه از فضا																	
نام فضا	C-D	الگوی سکونت رایج			نام فضا	C-D	الگوی سکونت رایج			نام فضا	C-D	الگوی سکونت رایج			نام فضا	C-D	الگوی سکونت رایج		
		بدون خدمه	خدمه مقیم	خدمه روزانه			بدون خدمه	خدمه مقیم	خدمه روزانه			بدون خدمه	خدمه مقیم	خدمه روزانه			بدون خدمه	خدمه مقیم	خدمه روزانه
نام فضا	C-D	تیپ ۱	تیپ ۲	تیپ ۳	نام فضا	C-D	تیپ ۱	تیپ۲	تیپ۳	نام فضا	C-D	تیپ ۱	تیپ ۲	تیپ ۳	نام فضا	C-D	تیپ ۱	تیپ ۲	تیپ ۳
پذیرایی	C	۲/۸	۲/۶	۳	غذاخوری	C	۱/۷۵	۲/۶	۳/۵	نشیمن	C	۳/۶	۲/۶	۳/۵					
	D	۵/۸	۵	۴/۵		D	۶/۲۵	۵/۶	۴/۵		D	۶/۱۶	۵/۶	۵/۵					
اتاق مهمان	C	–	۱	۱	آشپزخانه	C	۱/۵	–	۱	اتاق مطالعه	C	۲	۱	۳					
	D	–	۵	۶		D	۶/۵	–	۶/۵		D	۶	۶	۶/۵					
دفتر کار	C	۲	۱	۱	اتاق خواب	C	۱/۸۳	۲/۳	۲/۵	حمام	C	۱	۱/۳	۱/۵					
	D	۷	۶	۴		D	۸/۳	۶	۶/۵		D	۸/۵	۷	۷					
رختکن	C	۲/۶	۲	۲/۵	سرویس	C	۱	۱	۱	تراس	C	۱/۸۳	۲/۳۳	۲/۵					
	D	۷/۶	۴/۵	۵		D	۵/۵	۵	۴/۵		D	۷/۵	۷	۶					
ورودی	C	۲/۵	۳/۵	۲	پارکینگ	C	۱/۸۳	۱	۲	انبار	C	۱	۱	۱					
	D	۴/۲۵	۲/۵	۲		D	۲	۴/۳	۱/۵		D	۳	۵	۶					
					هال	C	۴/۵	۴/۵	۷/۵	حیاط خلوت	C	۲	۲	۲					
						D	۶	۳/۵	۳/۵		D	۶/۶	۲	۲					

در جدول ۸، میانگین عددی فاکتور عمق(D) و فاکتور اتصال(C) برای هر یک از فضاهای اصلی خانه‌های برونگرا در هر دو دوره محاسبه شده است و با نگاهی اجمالی می‌توان همپیوندی فضاهای اصلی را در هر سه الگوی سکونت با هم مقایسه کرد. قسمت هایی که با رنگ نارنجی مشخص شده است همپیوندی بیشتر و به ترتیب رنگ سبز و آبی همپیوندی متوسط و کمتر در قیاس باهم دارند. در واقع می‌توان گفت در تیپ ۱ خانه ها یا همان الگوی سکونت بدون خدمه فضاهایی مانند آشپزخانه، اتاق مطالعه فضاهایی هستند که در آنها فاکتور همپیوندی از سایر فضاهای خانه بیشتر است. در تیپ ۲ خانه ها یا همان الگوی سکونت با خدمه مقیم، فضاهایی مانند اتاق مهمان، رختکن، اتاق خواب و حیاط خلوت، فاکتور همپیوندی از سایر فضاهای خانه بیشتر است و در تیپ ۳ خانه ها و یا همان الگوی سکونت با خدمه روزانه، فضاهایی مانند پذیرایی، دفتر کار، ورودی،غذاخوری، سرویس، پارکینگ، هال، نشیمن، حمام، تراس، حیاط خلوت، فضاهایی هستندکه فاکتور همپیوندی در آنها بیشتر است. با توجه به جدول ۸، جدول ۹ جهت بررسی تأثیر حضور و عدم حضور افراد خدمه در پیوستگی فضایی خانه‌های این دوره تنظیم شده است.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

جدول ۹- جمع بندی تجزیه و تحلیل پیوستگی فضایی در ۳ تیپ خانه در قیاس با یکدیگر

تیپ خانه ها	تعداد کل فضاها	تعداد فضاها با پیوستگی بیشتر (رنگ کرم)	تعداد فضاها با پیوستگی متوسط (رنگ سبز)	تعداد فضاها با پیوستگی کم (آبی)
تیپ ۱ – خانه بدون خدمه	۱۷	۳	۱	۱۳
تیپ ۲ – خانه با خدمه مقیم		۵	۱۱	۲
تیپ ۳ – خانه با خدمه غیر مقیم		۱۱	۴	۲

با توجه به جدول ۹، بیشترین پیوستگی فضایی در میان ۳ تیپ خانه به ترتیب از زیاد به کم تیپ ۳، تیپ۲ و تیپ ۱می باشد. لذا می‌توان اینطور نتیجه گرفت که حضور و اسکان خدمه به نوعی باعث افزایش پیوستگی فضا شده است و تعمد طراح در ایجاد سلسله مراتب و حفظ حریم هر یک از فضاهای خانه دیده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

سبک زندگی، از مؤلفه‌های گوناگونی از جمله مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی تشکیل شده است. مؤلفه‌های اجتماعی یکی از موثرترین مؤلفه‌های تحول و نوگرایی در سبک زندگی دوره پهلوی است که در این پژوهش صرفا به آن پرداخته شده است. لذا با توجه به تعاریف صاحب اندیشان در مورد سبک زندگی، مؤلفه‌های مفهومی نوگرایی سبک زندگی اقتباس شده را می‌توان به ۳ دسته اصلی تقسیم بندی کرد: الف) انسان، طبیعت،معماری(تعاملات)، ب) فرد گرایی، ج) جایگاه اجتماعی که در این پژوهش هدف شناخت چگونگی تأثیر این مؤلفه ها بر کالبد و ساختار خانه است. سوال اصلی این پژوهش بدین صورت است که با توجه به تحول در پیکره بندی فضایی متاثر از تحول در الگوهای رفتاری، مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی چگونه بر پیوستگی فضایی تأثیرگذارند؟ در راستای ارائه پاسخی منطقی برای این سوال، می‌توان اینگونه عنوان کرد که با مدرن شدن شهر تهران و شکل گیری طبقه اجتماعی جدید، نیازها و خواسته‌های جدیدی بر مبنای الگوهای غربی مطرح شد که توجه به نوع تعاملات میان انسانها و با محیط اطراف خود(معماری و طبیعت)، توجه به انسان و تامین نیازها بر اساس فردیت و همچنین رشد و پیشرفت جایگاه و نقش اجتماعی به عنوان مؤلفه هایی از نوگرایی سبک زندگی، از جایگاه ویژه ای برخوردار شد. لذا همه فضاهای خانه بر اساس الگوهای غربی و با توجه به نیازها و خواسته‌های جدید تغییر یافت. به عنوان مثال وجود دفتر کار و اتاق مطالعه، اتاق مهمان، پارکینگ، از نیازهای جدید هستند که بعد از مدرن شدن شهر به ساختار خانه ها اضافه شده است. همچنین آشپزخانه که یک فضای بسیار مهم برای زنان است، با تحول نقش زنان و اهمیت نقش آنان در محیط زندگی و کسب و کار، دچار تحول در طراحی و موقعیت جانمایی در خانه شده است. به نحوی که در خانه هایی که خدمه در آنها مقیم هستند و فضاهای اقامتی مخصوص خودشان را دارند، آشپزخانه به گونه‌ای طراحی شده است که از فضای داخلی خانه بعد از طی چندین راهروی تو در تو، دسترسی به آن میسر می‌شود و در واقع دسترسی آنها از ورودی فرعی می‌باشد در صورتی که در خانه هایی که در آنها خدمه سکونت ندارد، موقعیت جانمایی آن به صورتی است که در ارتباط با اتاق نشیمن و یا غذاخوری است که این مسئله بیان گر اهمیت نقش زن و عادات زندگی که بر خواسته از فردگرایی می‌باشد، است.

به طور کلی خانه‌های این دوره، دارای عمق کم و همچنین تک لایه بوده و سلسله مراتب فضایی آنها پیچیده نمی باشد. خانه ها دارای ۲ عرصه عمومی و خصوصی بوده و به صورت یکپارچه طراحی شده است و از هم جدا نیستند و عرصه‌های نیمه عمومی و نیمه خصوصی به صورت مجزا تعریف نشده است. باتوجه به تعاریف پایه، هر چه مقدار عددی شاخص عمق فضا کمتر از میانگین رده عمق و مقدار عددی شاخص اتصال بیشتر شود، شاخص همپیوندی بیشتر و فضا عمومی تر و هر چه مقدارعددی شاخص عمق بیشتر از میانگین رده عمق و مقدار عددی شاخص اتصال کمتر شود، همپیوندی کمتر و فضا خصوصی‌تر می‌باشد. منظور از عرصه بندی‌های عمومی، فضایی است که فعالیت‌های مشترک و جمعی افراد خانواده به منظور برقراری ارتباطات آن با یکدیگر و نیز با میهمانان و همسایگان رخ می‌دهد که با توجه به جدول ۷ و تجزیه و تحلیل داده ها و مقایسه مقدار عددی شاخص عمق هر فضا با میانگین رده عمقی که ۶/۶۷ می‌باشد، و همچنین مقدار عددی اتصال، می‌توان شاخص همپیوندی را بررسی کرد. به عنوان مثال، مقدار عددی شاخص عمق و اتصال به ترتیب برای فضاهای ورودی ۲/۹۱ و ۲/۶۶، فضای پذیرایی۵/۱ و ۲/۸، فضای نشیمن ۵/۷۵ و۳/۱۱، فضای غذاخوری ۵/۴۵ و۲/۶۱، فضای هال یا سرسرا ۴/۳۳ و۴/۵۰ و ایوان ۴/۰۳ و ۳/۰۳ می‌باشد که از میان سایر فضاهای خانه، این فضاها شاخص همپیوندی بیشتری دارند. لذا در عرصه فضاهای

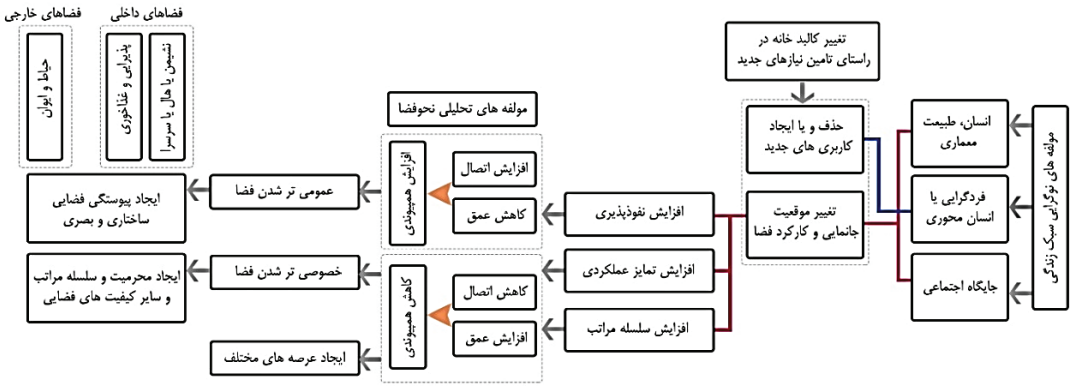
[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

عمومی خانه قرار می‌گیرند. هال یا سرسرا به نسبت سایر فضاهای خانه، بیشترین همپیوندی را دارند. بنابراین سازماندهی سایر فضاهای خانه بر اساس این فضاها شکل گرفته است. این فضا یک فضای کاملا نو ظهور است که علاوه بر فضای تقسیم، محلی برای نشیمن و گذران اوقات بیشتر افراد خانواده بوده است. همچنین با توجه به جدول ۷ و تجزیه و تحلیل داده ها، و مقایسه مقدار عددی شاخص عمق هر فضا با میانگین رده عمقی و همچنین مقدار عددی اتصال، به ترتیب برای اتاق‌های خواب ۶/۹۳ و۲/۲۱، حمام ۷/۵۰ و ۱/۲۶ و تراس ۶/۸۳ و۲/۲۰ می‌باشد که در میان سایر فضاهای خانه، شاخص همپیوندی کمتری دارند، لذا در عرصه خصوصی قرار دارند که محل خلوت افراد خانواده بوده و به دور از هرگونه اشراف و بدون تداخل حریم با عرصه عمومی است. از طرفی فضاهایی مانند اتاق مهمان با عمق ۵/۵ و اتصال ۱، اتاق مطالعه با عمق ۶/۱۶ و اتصال۲، اتاق کار با عمق ۵/۶ و اتصال ۱/۳۳ و آشپزخانه با عمق ۶/۳۳ و اتصال ۱/۱۶، همپیوندی کمتری را به نسبت فضاهای گروه اول (پذیرایی، نشیمن، غذاخوری و هال) و همپیوندی بیشتری به نسبت فضاهای گروه دوم (اتاق خواب و حمام و تراس) توجیه می‌کند که این فضاها در عرصه نیمه عمومی، نیمه خصوصی قرار می‌گیرند.از طرفی مطابق تعاریف پایه، شاخص همپیوندی بیشتر و شاخص اتصال بیشتر، به مفهوم پیوستگی بیشتر است. لذا از میان فضاها، فضاهایی مانند هال یا سرسرا، نشیمن، پذیرایی و غذاخوری در خانه‌های این دوره برای پیوستگی هستند. همچنین با بررسی پلان ها مشخص شد که تغییرات به وجود آمده در کالبد خانه ها به ۲ دسته اصلی تقسیم بندی می‌شوند که عبارت است از الف)حذف و ایجاد فضاهای جدید و ب)تغییر موقعیت جانمایی و کارکرد که از میان مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی می‌توان مؤلفه فردگرایی را در ارتباط با حذف و ایجاد فضاهای جدید دانست و مؤلفه‌های انسان، طبیعت معماری (تعاملات) و جایگاه اجتماعی را در ارتباط با تغییر موقعیت و کارکرد فضاها در خانه دانست. از طرفی تغییر موقعیت و کارکرد فضا، باعث افزایش نفوذپذیری، تمایز عملکردی و افزایش سلسله مراتب می‌شود، که این شرایط عمومی یا خصوصی بودن فضا را تعیین می‌کند، پس در نتیجه پیوستگی فضایی با تغییر موقعیت فضاها در کالبد خانه تغییر می‌کند. بنابرین می‌توان گفت از میان مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی، مؤلفه هایی که بر روی موقعیت قرارگیری فضاها تأثیرگذار هستند، بر روی پیوستگی فضایی نیز تأثیرگذارند. یعنی مؤلفه‌های انسان، طبیعت، معماری (تعاملات) و جایگاه اجتماعی، بر روی ایجاد و یا کاهش پیوستگی فضایی نقش پر رنگ تری دارند.

در راستای پاسخ به این سوال که در خانه‌های متحول شده با فضاهای نوظهور و تغییر الگوی روابط فضایی چه فضاهایی عامل ایجاد پیوستگی فضا هستند؟ می‌توان گفت با توجه به جداول شماره ۸،۷،۶ در هر سه تیپ خانه، فضاهایی مانند سالن پذیرایی، سالن غذاخوری، سالن نشیمن، هال یا سرسرا در میان سایر فضاهای خانه به ترتیب، با مقدار عددی عمق (۵/۱، ۵/۴۵، ۵/۷۵، ۴/۳۳) که همگی در بازه عمقی کمتر از میانگین رده عمق ۶/۶۷ قرار گرفته و مقدار عددی شاخص اتصال (۲/۸، ۲/۶۱، ۳/۱۱، ۴/۵۰) که به نسبت سایر فضاها، مقدار عددی بیشتری دارند، لذا شاخص همپیوندی، مقدار عددی بالاتری دارد و مطابق تعاریف، همپیوندی بالا و مقدار عددی شاخص اتصال بالا، پیوستگی ساختاری و بصری را توجیه می‌کند. بنابراین می‌توان گفت، این فضاها، به عنوان یک هسته عمل می‌کنند و سایر فضاهای اصلی خانه را در کنار هم قرار می‌دهند و عاملی برای پیوند خوردن فضاها هستند. فضای ایوان ورودی را نیز می‌توان عاملی برای تداوم فضایی و تبدیل فضای بیرون به فضای درون به حساب آورد و در واقع باعث ایجاد خوانایی می‌شود و در کل می‌تواند پیوستگی بصری و ساختاری را توجیه کند. فضاهایی مانند آشپزخانه، اتاق خواب، رختکن و حمام و انبار، اتاق مطالعه، دفتر کار فضاهایی هستند که معمولا در حاشیه هستند و پیوستگی فضایی را توجیه نمی کنند.

همچنین در راستای پاسخی به این سوال که حضور افراد خدمه، چه تأثیری بر پیوستگی فضایی دارد؟ با توجه به جدول ۹ می‌توان گفت که از میان سه تیپ خانه برونگرای این دوره، خانه برونگرا تیپ ۳ (خانه با خدمه غیر مقیم) از میان ۱۷ فضایی که مورد بررسی قرار گرفت، تعداد ۱۱ فضا، پیوستگی بیشتری در قیاس با سایر تیپ ها دارد. همچنین خانه برونگرای تیپ ۲ (خانه با خدمه مقیم) که ۵ فضا از ۱۷ فضا پیوستگی بیشتری در قیاس با سایر تیپ ها دارد و در رتبه آخر، خانه تیپ۱ (خانه بدون خدمه) قرار دارد که از ۱۷ فضا، ۳ فضا، مفهوم پیوستگی را توجیه می‌کنند. در واقع با حضور و اسکان دائم خدمه در گروهی از خانه‌های برونگرای دوره پهلوی، پیوستگی فضایی در آن خانه ها، بیشتر است که این موضوع را می‌توان تعمدی از طرف طراحان، جهت حفظ حریم فضاها و رعایت سلسله مراتب دانست. در تصویر ۷، خلاصه ای از مطالب فوق ارائه شده است که در یک نگاه می‌توان روابط میان مؤلفه‌های گوناگون را دریافت.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]



تصویر ۷ – چگونگی تأثیرگذاری مؤلفه‌های سبک زندگی بر روی کالبد خانه‌ها

بدین ترتیب از آنجایی که ساختار اجتماعی روی الگوی سکونت، سلسله مراتب دسترسی و همچنین بر ظاهر و شکل کالبدی معماری تأثیر می‌گذارد، هر تغییر در ساختار جامعه، موجب تغییر در ویژگی‌های کالبدی مسکن شده و خصوصیات فیزیکی مسکن را دگرگون می‌کند. بنابراین هر گونه برنامه ریزی و طراحی معماری نیازمند شناخت خصوصیات فرهنگی و اجتماعی مردم و تدقیق در تأثیر این خصوصیات بر مسکن است. نتایج حاصل از این تحقیق در فرآیند طراحی روابط منطقی فضاها و همچنین در طراحی پلان‌های معماری، قابل استفاده است. انسان، طبیعت، معماری (تعاملات)، فردگرایی و جایگاه اجتماعی، از دستاوردهای این پژوهش محسوب می‌شوند که از عوامل اجتماعی موثر در سبک زندگی مردم شناخته می‌شوند. لذا توجه به این ۳ مؤلفه در طراحی مسکن نقش به سزایی دارد. این دستاوردها می‌تواند برای پژوهشگران و طراحان در رابطه با مباحث مربوط به مسکن با استفاده از نگرش نحوفضا، چگونگی توجه به ابعاد گوناگون طراحی مسکن و نیز لزوم پرداختن به زمینه‌های اجتماعی و تأثیر آنها بر سازماندهی فضاها مورد استفاده قرار گیرد. همچنین می‌توان موضوعاتی مانند نقش هر یک از مؤلفه‌های نوگرایی سبک زندگی تعیین شده در این مقاله، در معماری داخلی خانه‌های برونگرای دوره پهلوی می‌تواند به عنوان پیشنهادی برای مطالعات آتی در نظر گرفت. در انتها نیز پیشنهاداتی به عنوان راهکارهای طراحی در جدول ۱۰، عنوان شده است که برای خانه‌های معاصر قابلیت تعمیم دارد.

جدول ۱۰– پیشنهاداتی به عنوان راهکارهای طراحی مسکن با توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی

راهکارهای طراحی با توجه به مؤلفه‌های سبک زندگی			
انسان، طبیعت، معماری (تعاملات)		فرد گرایی	جایگاه اجتماعی
انسان	طبیعت، معماری		
تعبیه عرصه‌های نیمه‌عمومی مانند فیلتر ورودی	تعبیه فضای نیمه باز	کنترل اشراف به سرویس و حمام	دسترسی فضاها متناسب با حریم آنها
تعبیه عرصه‌های نیمه خصوصی مانند هال تقسیم در محدوده اتاق‌های خواب	ارتباط با عناصر طبیعی مانند گیاهان	تفکیک سرویس بهداشتی مهمان و میزبان	وجود فاصله مناسب میان اتاق‌های خواب و ورودی
تعبیه سرویس‌های بهداشتی دارای حریم و بدون دید از عرصه عمومی و خصوصی	طراحی فضای مخصوص گیاهان	تعبیه اتاق‌های خواب به دور از عرصه‌های عمومی	رعایت حریم فضاها و جلوگیری از اختلاط کاربری‌ها
تعبیه فضای اختصاصی مهمان به همراه سرویس بهداشتی و حمام مخصوص خود	ایجاد ارتباط فضای داخل و خارج از خانه با کنترل دید	تفکیک حوزه ها	
ایجاد فضاهای جمعی با رعایت محرمیت خانه			

پی‌نوشت‌ها

1. Space Syntax Theory
2. Amos Rapoport
3. Paul Oliwer
4. Grout & Wang
5. Bill Hillier
6. Alfred Adler
7. Anthony Giddens
8. Pierre Bourdie
9. Martine Segalen
10. David Chaney

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

11. Robert Bocock
12. Karl Emil Maximilian MaxWeber
13. Thomas Højrup
14. Georg Simmel
15. Rimer
16. John Fisk
17. Michael E. Sobel
18. Henri Stierlin
19. Christian Norberg-Schulz
20. Julian Hanson
21. Depth map

منابع

- آبراهامیان، برواند. (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*. ترجمه: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاح ولیلایی. تهران: انتشارات نی.
- ابراهیمی، غ.، سلطانزاده، ح. و کرامتی، غ. (۱۳۹۵). بازتاب فرهنگ غرب در تحول سبک زندگی و معماری خانه‌های اواخر قاجار شهر همدان، *ماهنامه باغ نظر*، ۱۴ (۴۷): ۲۹-۳۸.
- آتشین صدف، ع. و خیری، م. (۱۳۹۹). بررسی فلسفی رابطه سبک زندگی، پول و مد از منظر جورج زیمل، *دوفصلنامه پژوهشنامه سبک زندگی*، ۶ (۱): ۵۱-۶۷.
- احمدی، ف. (۱۳۹۱). فصل و وصل در معماری سنتی ایران. *فصلنامه کیمیای هنر*، ۱ (۳): ۱۳۱-۱۳۵.
- اداره کل میراث فرهنگی استان تهران.آرشیو خانه‌های دوره پهلوی.
- اردلان، ن.، بختیار، ل. (۱۳۹۰). *حس وحدت*. ترجمه: ونداد جلیلی و احسان طایفه. تهران: انتشارات علم معماری.
- استیرلن، ه. (۱۳۷۷). *اصفهان تصویر بهشت*. ترجمه: جمشید ارجمند. تهران: انتشارات فروزان.
- اشرف، الف. و بنوعزیزی، ع. (۱۳۷۲). *طبقات اجتماعی در دوره پهلوی*. ترجمه: عماد افروغ. تهران: انتشارات راهبرد.
- آوری، پ. (۱۳۷۶). *تاریخ معاصر ایران*. ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: انتشارات نو.
- ایازی، ر.، ارمغان، م. و خوانساری، ش. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین سبک زندگی و نظام اشیای خانگی از دیدگاه بوردیو در مسکن معاصر(مطالعه موردی: زوج‌های جوان منطقه دو شهر قزوین)، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۲ (۱۰): ۱۶۱-۱۷۷.
- بازایی، م.، شجاعی، ع.، قاسمی سیچانی، م. و مداحی، م. (۱۴۰۰). بررسی تغییرات سبک زندگی و تأثیرات آن بر کالبد معماری و پیکره بندی فضایی خانه‌های بومی (مطالعه موردی: خانه‌های بومی دوره قاجار و پهلوی شیراز)، *فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای*. ۱۱ (۴۲): ۴۵-۷۱.
- بانی مسعود، الف. (۱۳۹۱). *پست مدرنیته و معماری*. تهران: انتشارات خاک.
- باکاک، ر. (۱۳۸۱). *مصرف*. ترجمه: خسرو صبری. تهران: انتشارات شیرازه.
- بشیرزاده، س.، سهیلی، ج. و مفاخر، ف. (۱۴۰۰). بررسی موقعیت ایوان در پیکره بندی معماری خانه‌های اعیانی با استفاده از روش نحوفضا (نمونه موردی: خانه‌های سنتی گیلان)، *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست*، ۲۳ (۵): ۲۲۹-۲۴۵.
- توسلی، م. (۱۳۷۶). *اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران*. تهران: انتشارات مرکز مطالعات معماری و شهرسازی ایران.
- حاجیان، م.، تاجر، س. و مهدوی نژاد، م. (۱۳۹۹). تأثیر حیاط در شکل گیری پیکره بندی خانه‌های سنتی ایران در کاشان، *فصلنامه آرمانشهر*، ۱۳(۳۰): ۴۳-۵۵.
- حکمت، ع. (۱۳۵۵). *سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی*. تهران: انتشارات وحید.
- خلیلی خو، م. (۱۳۷۳). *توسعه و نوسازی در دوره رضاشاه*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- چگنی، ف.، دیده بان، م. و حصاری، پ. (۱۴۰۰). شناخت پیکره بندی فضایی در خانه‌های سنتی و معاصر با استفاده از تکنیک نحوفضا (مطالعه موردی: محله صوفیان بروجرد)، *دوفصلنامه اندیشه معماری*، ۵ (۹): ۱۶۶-۱۸۳.
- حائری مازندرانی، م. (۱۳۸۸). *خانه، فرهنگ، طبیعت*. تهران: انتشارات مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حکیم اللهی، ن. (۱۳۴۶). *عصر پهلوی و تحولات ایران*. تهران: انتشارات بیتا.
- خاقانی، ع. (۱۳۵۲). *بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران*. تهران: تهیه شده در دانشکده‌ی علوم اجتماعی و تعاون دانشگاه تهران.
- دیبا، د. (۱۳۷۸). حصول زبانی نو برای معماران ایران. *معماری و شهرسازی*، ۷ (۵۰): ۹۸-۱۰۳.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- رازجو، م.، متین، م. و امامقلی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل شکل گیری تعاملات اجتماعی در مسکن روستایی اقلیم معتدل و مرطوب با استفاده از روش چیدمان فضا در مسکن جلگه ای گیلان، *فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۱(۲): ۳۷۱-۳۹۶.
- رجبی، پ. (۱۳۵۵). *معماری ایران در عصر پهلوی*. تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- رستگارخالد، الف. (۱۳۸۵). *خانواده،کار،جنسیت*. تهران: انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- رستمی قلعه لانی، م. و بختاری منش، الف. (۱۴۰۰). بررسی رابطه درون-بیرون و سیر تحولات آن در مساجد ایران(از آغاز تا دوران صفوی)، *دوفصلنامه علمی پژوهشی معماری اقلیم گرم و خشک*، ۹(۱۳): ۱۱۹-۱۳۸.
- رضایی، ن. و حق پرست، ف. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر سبک زندگی بر سازمان فضایی خانه‌های روستای تاریخی- توریستی نمونه موردی: روستای کندوان از توابع استان آذربایجان شرقی، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای*،۱۰(۳۸): ۲۳۹-۲۵۳.
- زارعی، س. و یگانه، م. (۱۳۹۷). تحلیل نقش هم پیوندی فضاها در روابط اجتماعی خانه‌های سنتی کاشان، *فصلنامه مدیریت شهری و روستایی*، ۵۲(۱۹): ۸۱-۹۲.
- زرنشانی اصل، ط.، ولیزاده، ن. و ستاری ساربانقلی، ح. (۱۳۹۹). ارزیابی مفاهیم کالبدی و فضایی بناهای مسکونی با رویکرد توسعه پایدار (نمونه موردی: تبریز)، *فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا برنامه ریزی منطقه ای*.۱۰(۴۰). ۳۱۳-۳۳۳.
- ساناساریان، الف. (۱۳۸۴). *جنبش حقوق زنان در ایران (طغیان،افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷)*. ترجمه: نوشین احمدی خراسانی.تهران: انتشارات اختران.
- ستارپور، م. و بمانیان، م. (۱۳۹۹). تبیین مؤلفه‌های سرزندگی و دلبستگی در طراحی فضاهای مسکونی سنتی (بافت سنتی تبریز)، *فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)*، ۱۰(۱-۲): ۴۰۷-۴۲۰.
- سعادتی وقار، پ.، ضرغامی، الف. و قنبران، ع. (۱۳۹۸). واکاوی تعامل بین گونه‌های شکلی مسکن سنتی و ارتباطات فضایی با استفاده از ابزار نحوفضا (نمونه موردی خانه‌های سنتی کاشان)، *دو فصلنامه مطالعات معماری ایران*، ۸ (۱۶): ۱۵۳-۱۷۹.
- سگالن، م. (۱۳۷۰). *جامعه شناسی تاریخی خانواده*. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: انتشارات مرکز.
- سهیلی، ج. و عارفیان، الف. (۱۳۹۳). تحلیل روابط اجتماعی-انسانی در فضاهای مسجد مدرسه دوره قاجار قزوین بر اساس رویکرد نحوفضا، *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۴۸ (۳): ۴۷۵-۴۹۱.
- شافعی، ب.، سروشیان، س. و ویکتور، د. (۱۳۹۴). *معماری پل آبکار:معماری دوران تحول در ایران*. تهران: انتشارات دید.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: انتشارات صبح صادق.
- فتح بقالی، ع.، مقصودی تیلکی، م. و هدایتی مرزبالی، م. (۱۴۰۰). بازتاب ساختار اجتماعی در پیکره بندی فضایی مسکن با تاکید بر تئوری نحوفضا (مطالعه موردی: خانه‌های سنتی و معاصر بافت فرهنگی تاریخی تبریز)، *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، ۳۸ (۱۰): ۴۷-۶۴.
- فضلی، م.، فخارنوغانی، و. و سید موسوی، ح. (۱۳۹۷). نگاه تطبیقی به مؤلفه‌های موثر در شکل گیری سبک زندگی کودک از دیدگاه آدلر و اسلام، *پژوهشنامه علوم انسانی اسلامی*، ۵ (۱۰): ۷۹-۱۰۶.
- فیسک، ج. (۱۳۸۸). *درآمدی بر مطالعات ارتباطی*. ترجمه: مهدی غیرابی.تهران: انتشارات دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
- فصلنامه هنر و معماری. (۱۳۹۱). ۲۴( ):۱۷۳.
- قربانپور لفمجانی، الف. (۱۳۹۹). نقد مبانی انسان شناختی سبک زندگی در نظریه روان شناسی فردنگر آدلر از دیدگاه اسلام، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، *پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*،۲۰(۷): ۲۴۱-۲۶۳.
- کاتوزیان، م. (۱۳۷۲). *اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*. ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: انتشارات مرکز.
- کامی شیرازی، م.، سلطان زاده، ح. و حبیب، ف. (۱۳۹۷). تأثیر سبک زندگی در سازمان فضایی معماری مسکونی در ایرن(نمونه مورد مطالعه: آشپزخانه حد فاصل سالهای ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ ه ش)، *پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* ، ۹ (۲۴): ۳۳-۷۰.
- کردی، ح. و هادیزاده، س. (۱۳۹۱). بررسی سبک زندگی زنان شاغل و غیر شاغل، *فصلنامه علمی و پژوهشی زن و جامعه*، ۳ (۱۲): ۲۱-۴۲.
- کیایی، م.، .سلطان زاده، ح. و حیدری، ع. (۱۳۹۸). سنجش انعطاف‌پذیری نظام فضایی با استفاده از تکنیک چیدمان فضا (مطالعهٔ موردی: خانه‌های شهر قزوین)، *ماهنامه باغ نظر*، ۱۶ (۷۱): ۶۱-۷۶.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- گروت، ل. و وانگ، د. (۱۳۹۴). *روشهای تحقیق در معماری*. ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گیدنز، الف. (۱۳۸۸). *تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)*. ترجمه: ناصر موفقیان. تهران: انتشارات نی.
- گلستانی، س.، حجت، ع. و سعدوندی، م. (۱۳۹۶). جستاری در مفهوم پیوستگی فضا و روند تحولات آن در مساجد ایران، *فصلنامه هنرهای زیبا*، ۲۲(۴): ۲۹-۴۴.
- هدایت، م. (۱۳۴۴). *خاطرات و خطرات توشه ای از تاریخ شش پادشاه و گوشه ای از دوره زندگی من*. تهران: انتشارات زوار.
- مختاری طالقانی، الف. (۱۳۹۰). *میراث معماری مدرن ایران*. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مظاهری، م.، دژدار، الف. و موسوی، ج. (۱۳۹۷). تحلیل نقش حیاط در ساختار فضایی خانه‌های ایرانی با بهره گیری از نحو فضا، *فصلنامه هویت شهر*، ۱۲(۲): ۹۷-۱۰۸.
- معماریان، غ. (۱۳۸۱). نحوفضای معماری. *فصلنامه صفه*، ۳۵ (۱۲): ۷۵-۸۳.
- منظورالاجداد، م. (۱۳۷۹). *مرجعیت در عرصه اجتماع و سیاست، اسناد و گزارش‌هایی از آیات عظام نائینی، اصفهانی، حائری و بروجردی*. تهران: انتشارات شیرازه.
- موسسه گیتاشناسی. (۱۳۶۴). اطلس کامل شهر تهران.
- مهری، س.، سهیلی، ج. و ذبیحی، ح. (۱۳۹۹). تأثیر سبک زندگی بر روابط فضایی خانه‌های اعیان نشین دوره قاجار در مازندران، ماهنامه باغ نظر، ۱۷(۹۳): ۵۱-۶۶.
- مهدوی کنی، م. (۱۳۸۶). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۱(۱): ۱۹۹-۲۳۰.
- میرمیران، ه. (۱۳۷۷). سیری از ماده به روح. دوفصلنامه معماری و شهرسازی، ۶ (۴۲ - ۴۳): ۹۴-۱۰۰.
- میرمیران، ه. (۱۳۸۳). جریانی نو در معماری معاصر ایران، روزنامه همشهری، (۳۵۲۹): ۱۹.
- نوربرگ شولتز، ک. (۱۳۵۳). هستی، فضا و معماری. ترجمه: محمد حسین حافظی. تهران: انتشارات تهران.
- یوسفی، ف. (۱۴۰۱). تأثیر مدرنیته در تغییر سبک زندگی خانواده‌های بلوچ، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی، ۱۷ (۵۰): ۱۴۵-۱۷۳.
- Ascensão, A., Costa, L., Fernandes, C., Morais, F., & Ruivo, C. (2019). 3D space syntax analysis: Attributes to be applied in landscape architecture projects. *Urban Science*, *3*(1), 20.
- Al-Mohannadi, A. S., & Furlan, R. (2019). Socio-cultural patterns embedded into the built form of Qatari houses: Regenerating architectural identity in Qatar. *Journal of urban regeneration & renewal*, *12*(4), 336-358.
- Atkinson, W. (2022). The US Space of Lifestyles and Its Homologies. *Sociological Perspectives*, *65*(6), 1060-1080.
- Bolton, T., Francis, N., & Froy, F. (2017). The impact of Space Syntax on urban policy making. In *Proceedings of the 11th Space Syntax Symposium (eds T Heitor, M Serra, J Pinelo Silva, et al.)* (pp. 48-1).
- Darvish, A., Dastyar, F., & Dariush, B. (2019). The phenomenon of lifestyle and the architecture of apartments in Iran Case study: the apartments in District 9, Tehran. *Socio-Spatial Studies*, *3*(5), 78-84.
- Falakian, N., Safari, H., & Kazemi, A. (2021). Morphology of Meaning-Oriented Architecture Using Space Syntax Method Case Study: Ali Mosque of Isfahan. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, *18*(96), 29-44.
- Haghlesan, M., Irani, M., & Niknam, S. (2021). The study of spatial evolution in the traditional houses of Iran with emphasis on the aspects of physical and spatial relationship using the space syntax (case study: Qajar and Pahlavi houses in Tabriz). *Journal of Housing and Rural Environment*, *39*(172), 17-32.
- Hamedani Golshan, H. (2019). Exploring Traditional Iranian house and culture using Space Syntax theory and methods, Case Study: Brojerdiha Mansion, Kashan, Iran. *Creative City Design*, *2*(2), 9-14.
- Hillier, B. (2007). Space is the machine: a configurational theory of architecture (2007). *London: Space Syntax, UCL. [Online] Available from: http://eprints. ucl. ac. uk/3881*.
- Hillier, & Hanson, J. (1984). *The social logic of space*. Cambridge university press.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

- Raviz, S. R. H., Eteghad, A. N., Guardiola, E. U., & Aira, A. A. (2015). Flexible housing: The role of spatial organization in achieving functional efficiency. *ArchNet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, *9*(2), 65.
- Karimi, K. (2018). Space syntax: consolidation and transformation of an urban research field. *Journal of Urban Design*, *23*(1), 1-4.
- Koohsari, M. J., Oka, K., Owen, N., & Sugiyama, T. (2019). Natural movement: A space syntax theory linking urban form and function with walking for transport. *Health & place*, *58*, 102072.
- Kwon, S. J., & Sailer, K. (2015, July). Seeing and being seen inside a museum and a department store. A comparison study in visibility and co-presence patterns. In *Proceedings of the 10th International Space Syntax Symposium* (Vol. 10, p. 24). Space Syntax Laboratory, The Bartlett School of Architecture, University College London.
- Asif, N., Utaberta, N., Sabil, A. B., & Ismail, S. (2018). Reflection of cultural practices on syntactical values: An introduction to the application of space syntax to vernacular Malay architecture. *Frontiers of Architectural Research*, *7*(4), 521-529.
- Amos, R. (1969). House Form and Culture Prentice Hall. *Inc, Englewood Cliffs, New York*.
- Shahbazi, M., Bemanian, M. R., & Lotfi, A. (2018). A comparative analysis of spatial configuration in designing residential houses using space syntax method (case studies: houses of Isfahan and modern architecture styles). *International Journal of Applied Arts Studies (IJAPAS)*, *3*(1).
- Sobel, M. E. (1981). *Lifestyle and social structure: Concepts, definitions, analyses*. Elsevier.
- Turner, A. (2007). From axial to road-centre lines: a new representation for space syntax and a new model of route choice for transport network analysis. *Environment and Planning B: planning and Design*, *34*(3), 539-555.
- Yamu, C., Van Nes, A., & Garau, C. (2021). Bill Hillier's legacy: Space syntax—A synopsis of basic concepts, measures, and empirical application. *Sustainability*, *13*(6), 3394.
- Yu, R., & Ostwald, M. J. (2018). Spatio-visual experience of movement through the Yuyuan Garden: A computational analysis based on isovists and visibility graphs. *Frontiers of Architectural Research*, *7*(4), 497-509.
- Zolfagharkhani, M., & Ostwald, M. J. (2021). The spatial structure of yazd courtyard houses: A space syntax analysis of the topological characteristics of the courtyard. *Buildings*, *11*(6), 262.
- Zou, H., & Liu, Y. (2021, May). A comparative study on the spatial characteristics of traditional residential houses in Zhangguying and Laodong Villages based on space syntax. In *IOP Conference Series: Earth and Environmental Science* (Vol. 769, No. 3, p. 032078). IOP Publishing.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]

Analyzing the effect of modern lifestyle on the spatial Integration of extroverted houses of the second Pahlavi period in Tehran

Noushin Sheikhakbari, Ph.D. Candidate, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Jamaleddin Soheili*, Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.
Maryam Armaghan, Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

Received: 2022/6/15 *Accepted: 2022/10/16*

Extended abstract
Introduction: The process of Western-style modernization that started in the first Pahlavi period in some areas continued in the second Pahlavi period and left major changes in the social and cultural fields of the society. The influence of Western culture and the changes caused by it left undeniable effects in the field of architecture, and since housing is a platform for life and is in daily contact with humans, it reflects the most cultural influences in the body. The purpose of this research is to identify how the components of lifestyle modernization affect the architectural spatial continuity of residential houses in Tehran during the second Pahlavi period. The main question that is raised for this research is that according to the transformation in lifestyle, how do the components of lifestyle modernization affect spatial continuity? Also, these questions are raised in transformed houses with emerging spaces and changing patterns of spatial relationships, what spaces are the cause of creating continuity among spaces? What is the effect of the presence of crew members in the house on spatial continuity?
Methodology: The research method is a combination of two methods, historical-interpretive and descriptive-analytical, which according to the subject, firstly determine the components of lifestyle modernization based on the opinions of thinkers, from the descriptive-analytical research method and also identify concrete examples. The components of modernization in the second Pahlavi era, looking at the transition from tradition to modernity, the method of interpretive-historical research has been used. The descriptive-analytical method has been used to investigate and study case examples using the Space syntax technique. In this research, the extraversion houses that were built during the years of the Pahlavi II regime were selected as study samples, and the information was collected in the form of a library and documents. To analyze the information, the justification diagram tool of the Space syntax technique has been used, and at the end, reasoning and conclusions are in the form of inferential reasoning.
Results: The results of this research show that among the components of lifestyle modernization, the components of man, nature, architecture (interactions), and social status are the components that influence the change in the location and function of spaces in the home, which can cause a change in spatial continuity. Among the main interior spaces, the reception hall, dining room, and living room, and among the exterior spaces, the veranda and the courtyard, have created spatial continuity visually and structurally. Also, the presence and accommodation of crew members in some examples has increased the spatial continuity.
Conclusion: Therefore, the social structure affects the settlement pattern, hierarchy, and also the physical form of the architecture. Therefore, any kind of architectural planning and design requires knowledge of cultural and social characteristics.
Keywords: Lifestyle, Spatial Integration, Extravagant Houses Second Pahlavi Period, Space Syntax

* Corresponding Author's E-mail: Soheili@qiau.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-28]